



ویژه امام زمان
عجل الله تعالی فرجه الشریف

نود و یکمین شماره نشریه
الکترونیکی امان
دوماهنامه - ویژه تیر و مرداد ۱۴۰۴

اربعین گویم دما دم تا حرم
دهر قدیم
تَعْجیل فرج
نیک



بحر الحسین علیہ السلام

در دریای وسیع عزاداران اربعین، موج غم امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف طنین انداز است؛ او غمگین است و منتظر لحظه ظهور. آری اربعین میعادگاه منتظران است؛ آنها با سیل اشک هایشان فریاد می زنند: ای پسر حسین علیه السلام، کجایی؟



بسمه تعالی



دوماهنامه امان - شماره ۹۱

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

سرمدیر: حجت الاسلام محمدرضا نصوری

دبیر علمی: حجت الاسلام تقی حاتمی

گرافیک و صفحه آرایی: زهره رجبی شیزری

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، به عنوان نهادی فرهنگی، غیرانتفاعی و غیردولتی و دارای شخصیت حقوقی مستقل که دارای تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران می باشد؛ به منظور ترویج و توسعه فرهنگ مهدویت و آشناسازی اقشار جامعه به ویژه نسل جوان، با شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تحکیم پایه های امامت و ولایت، پس از کسب موافقت مقام معظم رهبری از سوی حضرت حجت الاسلام والمسلمین قرائتی در تاریخ ۱۳۷۹/۰۹/۰۳ تأسیس گردید.



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود



خداوند!
تیرهایشان را
به هدف بنشان

بخشی از دعای بیست و هشتم صحیفه سجاده‌ایه



نخستین پیام تلویزیونی خطاب به ملت ایران
در پی تهاجم رژیم صهیونی به ایران

ملت بزرگ ایران!

رژیم صهیونی در سحرگاه امروز، دست پلید و خون‌آلود خود را به جنایتی در کشور عزیزمان گشود و ذات خبیث خود را با زدن مراکز مسکونی بیش از گذشته آشکار کرد. رژیم باید منتظر مجازاتی سخت باشد. دست قدرتمند نیروی مسلح جمهوری اسلامی او را رها نخواهد کرد باذن الله. در حملات دشمن، تنی چند از فرماندهان و دانشمندان به شهادت رسیدند. جانشینان و همکاران آنان بی درنگ و وظائف خود را پی خواهند گرفت ان شاء الله. رژیم صهیونی با این جنایت، برای خود سرنوشت تلخ و دردناکی تدارک دید و آن را قطعاً دریافت خواهد کرد.



کلید گشایش...

۱۳۸۵/۱/۲۵ - رهبر انقلاب

امروز همه‌ی دنیای اسلام باید قضیه‌ی فلسطین را قضیه‌ی خود بداند؛ این، کلید رمزآلودی است که درهای فرج را به روی امت اسلامی می‌گشاید. فلسطین باید به ملت فلسطین برگردد و دولت واحد فلسطینی به انتخاب همه‌ی فلسطینیان سراسر کشور خود را اداره کند. کوشش پنجاه ساله‌ی انگلیس و آمریکا و صهیونیست‌ها برای حذف نام فلسطین از نقشه‌ی جهان و هضم ملت فلسطین در ملت‌های دیگر به جایی نرسید و فشار و ستم و قساوت به عکس نتیجه داد. امروز ملت فلسطین از اسلاف شصت سال قبل خود، زنده‌تر و شجاعت‌تر و کارآمدتر است. این روند که در سایه‌ی ایمان و جهاد و انتفاضه‌ی افتخارآفرین پدید آمده، باید ادامه یابد و وعده‌ی خداوند تحقق یابد که فرمود: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ».

بخشی از سومین پیام تلویزیونی خطاب به ملت ایران در پی تهاجم رژیم صهیونی

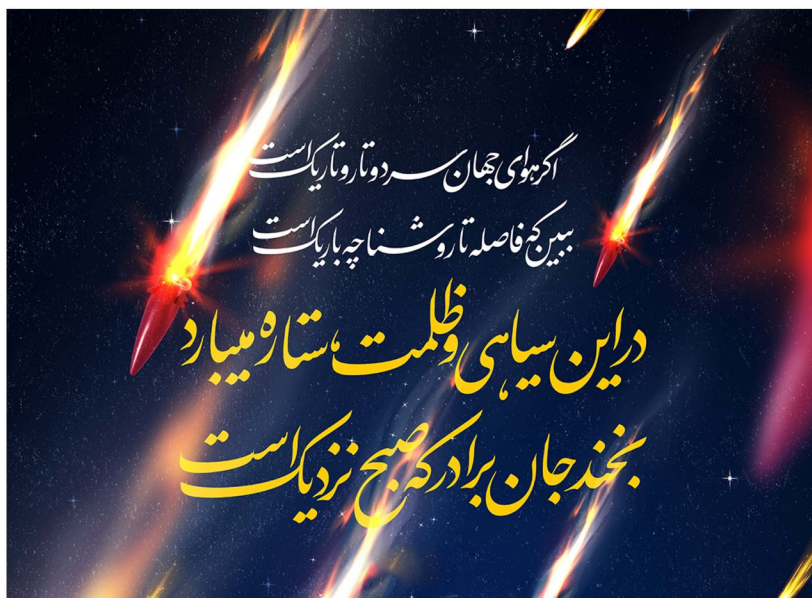
رژیم صهیونی با آن همه هیاهو، با آن همه ادعا، در زیر ضربات جمهوری اسلامی تقریباً از پا درآمد و له شد. فکر اینکه چنین ضرباتی از سوی جمهوری اسلامی ممکن است بر رژیم وارد بشود، در ذهن آنها و مخیله‌ی آنها خطور نمی‌کرد و اتفاق افتاد....

این یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است؛ این نشان‌دهنده‌ی آن است که رژیم صهیونیستی بداند که تعرض به جمهوری اسلامی ایران برایش هزینه‌زاست، هزینه برای او ایجاد میکند، هزینه‌ی سنگین برای او به وجود می‌آورد و ایجاد میکند....

ملت ایران ملت بزرگی است، ثروت فرهنگی و تمدنی ماحدها برابر بیشتر از آمریکا و امثال آمریکا است. اینکه کسی توقع کند که ایران تسلیم کشور

دیگری بشود، این یکی از آن مهم‌ل گویی‌های غلطی است که یقیناً مایه استهزاء افراد خردمند و افراد دانا واقع خواهد شد. ملت ایران عزیز است و عزیز خواهد بود، پیروز است و پیروز خواهد بود به توفیق الهی.

و امیدواریم خدای متعال این ملت را در زیر سایه‌ی الطاف خودش همیشه با عزت و شرف محفوظ بدارد، درجات امام بزرگوار را عالی کند و حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) را از این ملت، راضی و خشنود کند و کمک آن بزرگوار، پشتیبان این ملت باشد.





**رژیم صهیونیستی
روز به روز**

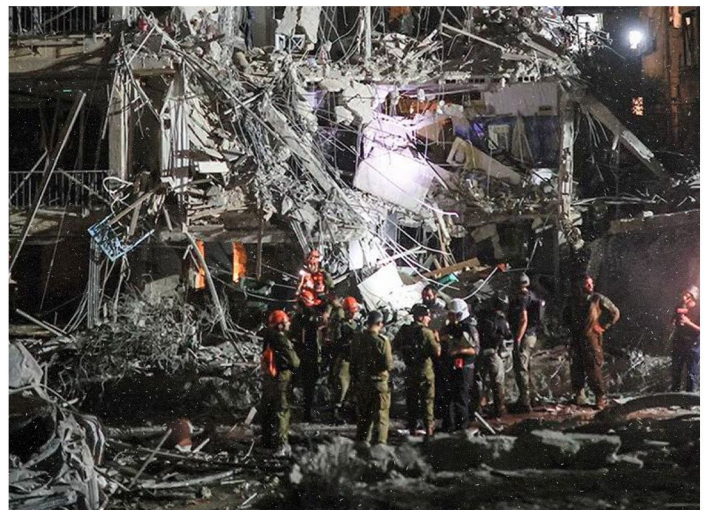
به اضمحلال و نابودی نزدیک تر می شود

پیام به حجاج بیت الله الحرام

۱۳۳۸
۹۳/۷/۸

ملت ایران در این جنگ تحمیلی اخیر کار بزرگی انجام داد؛ این کار بزرگ از جنس عملیات نبود؛ از جنس اراده بود، از جنس عزم بود، از جنس اعتماد به نفس بود...

فکر نکنند که زدند و تمام شد؛ نه، کار را آنها شروع کردند و جنگ به راه انداختند. ما به آنها اجازه نخواهیم داد که از این جنایت بزرگی که انجام دادند، خودشان را سالم خلاص کنند



بصیرت اخلاقی در عصر ظهور

حجت الاسلام رحیم کارگر | قسمت ششم



سیاست صوری، برنامه‌های عادی و معیشتی حکومت‌ها است که به شکل‌های مختلف، بیشتر در صدد اداره امور روزمره بشر و تکیه بر جنبه مادی و ظاهری زندگی است و نه تنها کاری با رشد و بالندگی معنوی مردم ندارد؛ بلکه گاهی منشأ ناراستی‌های اخلاقی نیز می‌باشد. سیاست الهی، همان سیاست فاضله است که علاوه بر توجه به امور معیشتی و دنیوی و ارائه راهکارهای مناسب جهت ایجاد تعادل و پیشرفت در این زمینه‌ها، بیشتر به ابعاد معنوی و روحی انسان نظر دارد و به هدایت، تربیت و رشد همه جانبه و سعادت واقعی آنان همت می‌گمارد.

این سیاست فاضله، همان امامت است که به قول خواجه نصیرالدین طوسی: «غرض از آن تکمیل خلق بود و لازم‌ش نیل سعادت»^۱.

بر این اساس حکومت وسیله‌ای برای برپاداشت فضایل و خیرات عمومی است و جهت‌گیری کلی آن، به سوی قرب الهی و تربیت نفوس انسانی و حاکمیت سیاست فاضله است. از آنجایی که بسیاری از مراکز فرهنگی، اجتماعی و علمی در دست حکومت قرار دارد؛ این نهاد می‌تواند بیشترین نقش را در اصلاح یا فساد جامعه ایفا کند و تا حکومت‌ها و حاکمان اصلاح نگردند، امکان هیچ‌گونه پیشرفت و تعالی وجود ندارد. بدین جهت نگارنده در تبیین دولت مهدوی، آورده است:

«دولت اخلاقی مبتنی بر نظام امامت که جامعه را در تمامی ابعاد و جنبه‌ها، به سمت رشد فکری و اخلاقی و کمال مطلوب انسانی هدایت و رهبری می‌کند و باورها و رفتارهای مردم را اصلاح می‌نماید»^۲.

در هر جامعه‌ای، بهترین برنامه‌ها و قوانین، باید به دست بهترین و شایسته‌ترین افراد و مجریان اجرا شود. به همین دلیل ساختن انسان و پرورش و رشد افرادی صالح و خردورز، مقدمه اصلی برای تشکیل هر نظام صالح و انسانی است. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نخست به تربیت انسانها می‌پردازد تا دیگر برنامه‌های اجتماعی خود را به شایستگی انجام دهد و عدالت، دادگری، قانون‌گرایی، صلح، امنیت، آرامش و... را در سطح جامعه پایدار سازد.

در این شماره سعی می‌شود مکانیسم‌ها و سازوکارهای برگرفته از روایات و منابع دینی و براساس رویکرد سیاسی و حکومتی ذکر شود:

رویکرد سیاسی و حکومتی

براساس این رویکرد، دولت اخلاقی مهدوی، به تحقق کامل سیاست فاضله «معنویت‌گرا»، در کل عالم مبادرت می‌کند و بر اصلاح اخلاقی مردم و کارگزاران امور «جهت تأثیرگذاری بر مردم»، تغییر ساختارهای معیوب و فاسد فرهنگی، کنترل و نظارت کامل و جامع بر کارگزاران و مردم و... تأکید ویژه‌ای می‌شود. همچنین دولت عهده دار تأمین نیازهای مادی مردم می‌شود تا زمینه بروز مفاسد و ناهنجاری‌ها از بین برود. مؤلفه‌های مهم در این ساز و کار عبارتند از:

برپاداشت سیاست فاضله

«امامت» در اعتقاد شیعه، پیشوایی، زعامت و ولایت چند بُعدی شخص معصوم است که از سوی خداوند، به این مقام منصوب شده است. این یک مقام والای معنوی و دینی است که علاوه بر رهبری حکومت اسلامی، هدایت همه جانبه در امر دین و دنیا و تنظیم مکارم اخلاقی را بر عهده دارد. در واقع سیاست و حکومت داری، می‌تواند سه گونه باشد: سیاست الهی، سیاست شیطانی، سیاست صوری (روز مره). سیاست شیطانی، بیشتر برنامه‌ها و خط مشی‌ها را در جهت از خودبیگانگی و جهالت انسان‌ها و غرق کردن آنها در تباهی، فساد و خوش‌گذرانی و غفلت قرار می‌دهد و منشأ بسیاری از جنایت‌ها و زلات‌ها و جنگ‌ها است.

کنترل و نظارت جامع

برای اینکه بتوان رفتار و پندار انسان‌ها را دگرگون کرد و آنها را در مسیر اصلاح و سازندگی واقعی قرار داد، باید برنامه‌ای پایدار و اثرگذار برای او ارائه نمود و در ضمن آن، نظارت جامع و کاملی بر رفتارها و هنجار شکنی‌های وی داشت.

علاوه بر این باید بر حسن اجرای برنامه‌های تربیتی و اصلاحی، مراقبت جدی داشت و در صورت ضرورت، از مکانیسم (انذار و تخویف) و (تنبیه) استفاده کرد. همچنین در اجرای دستورات دینی (در زمینه‌های مختلف)، جدیت به خرج داد و در برابر طغیان و قانون شکنی کوتاه نیامد. در صورتی که برنامه‌های فرهنگی، تحت انضباط و نظم دینی قرار گیرد، بسیار مؤثر و کاربردی خواهد بود. این نظارت جامع برای هدایت و رهنمونی انسان‌ها به صلاح و تقوا و جلوگیری از هنجار شکنی و افسادگری در عصر ظهور، با ظرافت خاص و برنامه‌ای فراگیر صورت خواهد گرفت:

«ینصب له عموداً من نور فی الارض الی السماء یری فیه اعمال العباد؛^{۱۰} برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عمودی از نور از زمین تا آسمان، نصب می‌شود که اعمال بندگان را در آن می‌بیند.» و «هنگامی که امور به صاحب امر عجل الله تعالی فرجه الشریف منتهی می‌شود، خداوند همه نقاط پست زمین را برای او پر می‌کند و همه نقاط مرتفع جهان را برای او هموار می‌سازد تا همه کره خاکی، همچون کف دست او، در افق دید وی قرار گیرد» «رفع الله تعالی له کل منخفض...». اگر یکی از شما، مویی در کف دست داشته باشد، مگر ممکن است از دیدن آن ناتوان باشید.^{۱۱}

این سیاست الهی و فاضله، استمرار برنامه پیامبران به خصوص نبی مکرم اسلام و عترت پاک او است؛ چنان که آن حضرت می‌فرماید:

«المهدی یقفو اثری لا یخطئ؛^۳ مهدی روش من را دنبال می‌کند و هرگز از روش من بیرون نمی‌رود» و «یعمل بسنتی وینزل الله البرکة؛^۴ به سنت من رفتار می‌کند و خداوند برکت را بر او نازل می‌فرماید...» و «اذا قام... سار بسیرة علی؛^۵ زمانی که قائم قیام کند، بر سیره علی عجل الله تعالی فرجه الشریف عمل می‌کند».

به سازی اخلاق کارگزاران

یکی از مکانیسم‌های تأثیرگذار در رشد فکری و اخلاقی مردم، تقدم اصلاح رفتاری و معرفتی بازیگران عرصه سیاست و مدیریت جهان بر دیگران است. اگر کارگزاران امور، از نظر اخلاقی سالم و پاک باشند و در عمل به وظایف خود از مسیر حق، عدالت و اعتدال خارج نشوند، بسیاری از انحرافات و کژتابی‌های اخلاقی و رفتاری جهان کاسته خواهد شد و مردم نیز تابع آنان خواهند بود؛ چنان که فرموده اند:

«الناس علی دین ملوکهم؛ مردم بر دین حاکمان خود هستند».

گام اول در اصلاح و به سازی اخلاق کارگزاران امور و مدیران و مجریان، **نظارت شدید بر آنها و سخت گیری در برابر قانون شکنی و هنجار ناپذیری آنان** است. همچنین دقت در گزینش مسئولان متعهد و وظیفه شناس که بتوانند در حرکت مردم به سوی کمال و تعالی، اثرگذار باشند و جلوتر از آنان، این مسیر رشد و بالندگی را طی کنند. بشر هر لحظه در معرض اشتباه و انحراف است و برای جلوگیری از آن، رهبر می‌باید نظارت کامل بر زمامداران جامعه داشته باشد. هر چند وقت آنان را نصیحت و راهنمایی کند و از انحراف و لغزش منع فرماید؛ چنان که حضرت علی عجل الله تعالی فرجه الشریف، کاربردی ترین و دقیق ترین نظارت ها را بر کارگزاران خود داشت و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز چنین خواهد بود:

«المهدی... شدید علی العمال رحیم بالمساکین؛^۶ مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر مسؤولان کشوری بسیار سخت می‌گیرد و بر بینوایان بسیار رؤوف و مهربان است» و نیز: «یأخذ الوالی من غیرها عملها علی مساوی اعمالها؛^۷ اعمال و کارگزاران حکومت‌ها را بر اعمال بدشان کیفر خواهد داد».

مهم ترین دستور حضرت به یاران خود بر پاداشت عدالت و احسان و نیکی با مردم است: «یفرق المهدی اصحابه فی جمیع البلدان ویامرهم بالعدل والاحسان...؛^۸ مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یارانش را در همه شهرها پراکنده می‌سازد و به آنان دستور می‌دهد که عدل و احسان را شیوه خود سازند».

حضرت پیش از انتخاب و فرستادن آنان، پیمانی سخت و دشوار از آنها می‌گیرد که بسیاری از مفاد آن، اخلاقی و در جهت تزکیه و تهذیب آنان است: «... با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت می‌کنند که هرگز دزدی نکنند، زنا نکنند، مسلمانی را دشنام ندهند، خون کسی را به ناحق نریزند، به آبروی کسی لطمه نزنند، به خانه کسی هجوم نبرند، طلا، نقره، گندم و جو ذخیره نکنند و...».^۹

این نظارت جامع و فراگیر منجر به اجرای دقیق حدود الهی بر روی زمین می شود: «خداوند در زمین معصیت نشود و حدود الهی میان مردم اجرا گردد»^{۱۲} و «در دوران ولایت او جز به هنگام اجرای حدود الهی، کسی مورد ضرب قرار نمی گیرد»^{۱۳}.

مانع زدایی و تغییر ساختارهای معیوب و ویرانگر فرهنگی

خودکامگی، فسادگری، هواپرستی، غفلت، استکبار، شیطنیت و... موانع و سدهای بزرگی در راه رشد و تعالی انسان ها است و تا این موانع وجود داشته باشد، امکان رشد و بالندگی معنوی برای انسان ها فراهم نیست. موانع رشد و تعالی انسان هادر چند بعد قابل شناسایی است:

الف: بعد فرا انسانی؛ مهم ترین پاسخ برای رسیدن انسان به قرب و بندگی خداوند، شیطان و اعوان و انصار او در گمراه گری، اغواگری و فسادگری است. تا این منشأ اصلی از بین نرود، بسیاری از جنایتها، حق کشی ها و معصیتها و عبودیتها غیر الهی باقی خواهد ماند و با دفع او، وسوسه گری هایش نیز از بین خواهد رفت و این تنها در عصر ظهور و به دست حضرت خواهد بود: «دولة ابليس الى يوم القيامة وهو يوم قيام القائم»^{۱۴}؛ «حکومت ابلیس تا روز قیامت است و آن، روز قیام قائم ما است».

ب. بعد ساختاری؛ بسیاری از ساختارها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی، نه تنها برنامه های بایسته و شایسته هنجاری و تربیتی ندارد؛ بلکه یا به طور ناقص يك سری آداب و رسوم خشك را ترویج می کنند یا اینکه ایده های ناسالم و رویکردی شالوده شکن فرهنگی دارند و یا خود کانون فساد و تباهی اخلاقی هستند. با حذف و تغییر این ساختارهای ضد فرهنگی و نهادهای مشکل زا و اصلاح برنامه ها و نابودی کانون های فساد، می توان امیدوار به حل بعضی از کاستی های جوامع بود؛ همان گونه که در دوران ظهور چنین خواهد شد. روایات در این باره می گویند: «لیعزلن عنکم امراء الجور و لیطهرن الارض من کل غاش»^{۱۵}؛ «حکمرانان ستم پیشه را عزل می کند و زمین را از هر نیرنگ بازی پاک می سازد».

ج. بعد انسانی؛ پاره ای از آلودگی ها و ناهنجاری های جامعه، ناشی از فعالیت افسادگران و شیاطین انسی است؛ اشرار و ملحدانی که تمام همت خود را مصروف ستیزه با دین، هنجار زدایی، باطل گرایی، ترویج فساد، دنیا گرایی، منفعت گرایی خشونت آمیز و... دارند و کانون ها و رسانه های وابسته به آنها نیز، مرکز اشاعه منکرات و لاابالی گری هستند. با حذف یا اصلاح این طراحان فساد، جوامع رو به اصلاح و پاکی خواهند رفت؛ امری که به یقین در عصر ظهور اتفاق می افتد: «... تهلك الاشرار و تبقى الاخيار»^{۱۶}؛ «اشرار و بدان نابود می شوند و نیکان و اخیار باقی می مانند».

رفع ناداری مادی برای تعدیل خواسته ها

اگر انسان دنیا را هدف خود قرار دهد، هر چه به دست می آورد، باز بیشتر می خواهد. این شیفتگی به دنیا زمینه را برای گناه فراهم می سازد؛ چرا که دنیا فقط وسیله کسب معیشت - از راه درست یا نادرست - قرار می گیرد و دار غرور، سرگرمی، عیش و نوش و در نهایت تعارض و رقابت برای دسترسی به مال بیشتر می شود. دنیا خواهی، صفات اخلاقی زشت را در انسان ایجاد می کند و کبر، حرص و حسد، نموده های مهم آن و عامل انحراف در طول تاریخ است. تنها راه درمان این فزون خواهی، تزکیه و تربیت عقلانی بشر و قرار دادن او در

مسیر پیامبران و امامان است. با این حال دین در صدد رفع نیازهای مادی انسان نیز هست. با برنامه هایی چون خمس، زکات و صدقه از يك طرف در صدد رفع فقر برمی آید و از طرف دیگر جلوی ثروت اندوزی و اسراف گرایی را می گیرد این آموزه در عصر ظهور به طور کامل کاربردی شده و با رفع نیازهای مادی انسانها و در عین حال تربیت صحیح آنان، اقتصاد بشر در مسیر اخلاقی و انسانی خود قرار می گیرد. بر اساس روایتی «ثروت های روی زمین و زیر زمین، نزد آن حضرت گرد می آید. آن گاه حضرت به مردم خطاب می کند:

بیاييد بگيريد، بگيريد آنچه را که برايش خويشاوندی را قطع می کردید و به خون ریزی و گناهان دست می زدید»^{۱۷}.

همچنین آمده است:

«اگر از مهدی علیه السلام پیروی کنید، از رنج طلب و سختی «برای دستیابی به وسایل زندگی» آسوده می شوید و او بار سنگین را از شانه هایتان بر زمین می نهد»^{۱۸}.

۱. اخلاق ناصری، ص ۳۰۰.

۲. آینده جهان، ص ۲۳۳.

۳. منتخب الاثر، ص ۶۲، ج ۲.

۴. کشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۷۲.

۵. کافی، ج ۱، ص ۴۴۱.

۶. بشاره المصطفی، ص ۲۰۷.

۷. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۸. الامام المهدی، ص ۲۷۱.

۹. منتخب الاثر، ص ۵۸۱.

۱۰. يوم الخلاص، ج ۲، ص ۶۴۷؛ الزام الناصب، ص ۶.

۱۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۸.

۱۲. همان، ص ۴۳.

۱۳. يوم الخلاص، ج ۲، ص ۶۰۳.

۱۴. اثبات الهداة، ج ۲، ص ۵۶۶.

۱۵. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

۱۶. منتخب الاثر، ص ۹۲، ج ۴.

۱۷. علل الشرايع، ج ۱، ص ۱۶۱، ح ۳.

۱۸. کافی، ج ۸، ص ۲۶۶.



تأثیر مردم در تعجیل در ظهور

حجت الاسلام قنبر علی صمدی

عبارت ظریف «ابی الله» نشان می‌دهد که قدرت بی‌حد و مرز الهی با وصف «حکمت» همراه است. او افزون بر این که قادر مطلق است، حکیم مطلق است و این وصف حکمت، ضابطه و معیار قدرت‌نمایی اوست. واژه «ابی» بیان‌گر این است که خداوند می‌تواند جهان را بدون تأثیر اسباب عادی، تدبیر نماید، اما حکمت او موجب می‌شود که هر پدیده تنها با اسباب ویژه‌ای و به طور نظام‌مند، تحقق یابد. لذا به جای «لا یجری» عبارت «ابی الله» به کار رفته است؛ یعنی خداوند نمی‌خواهد که چنین کند؛ زیرا سنت حتمی الهی بر این پایه استوار است که هرگونه تغییر در سرنوشت فردی و اجتماعی انسان در جهت انحطاط یا رشد تنها با انتخاب و اراده خود انسان، تحقق پذیرد. آیه پیش گفته نیز، این سنت الهی را درباره انسان، باز می‌گوید و تغییر وضع و سرنوشت هر قوم و طایفه‌ای را وابسته کارهای نخستین آنان می‌داند.

شواهد روایی

برخی از این روایت‌ها، صریحاً به تأثیر زمینه‌سازانه تلاش‌ها و کوشش‌های عده‌ای از مردم برای قیام حضرت و برپایی

در شماره قبل بیان شد که پدیده ظهور با خواست جمعی انسان‌ها رابطه‌ای

مستقیم دارد. انسان‌ها برای تحقق ظهور و تعجیل در آن، باید به استقبال آن بروند و زمینه‌های این تحول را فراهم آورند؛ زیرا ظهور به اراده و فرمان الهی صورت می‌پذیرد، اما این اراده تنها در مجرای اسباب طبیعی و عادی، تحقق می‌یابد. مهم‌ترین سبب در تحقق این رخداد، اراده و خواست جمعی انسان‌هاست. خداوند با توجه به این خواست و مصلحت کلی بشر، کار مردم را تدبیر می‌کند و حتمیت می‌بخشد. و اینک این نگاه مورد بررسی قرار می‌گیرد تا ابعاد گوناگون و پی‌آمدهای سودمند آن آشکار گردد.

تحلیل قرآنی...

قرآن کریم درباره ضابطه‌مندی نظام جهان و سرنوشت فردی و اجتماعی انسان، سنت الهی را این‌گونه معرفی می‌کند: إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ (رعد: ۱۱) بنای الهی بر این است که سرنوشت هیچ گروهی را تغییر ندهد مگر این که آنان در جهت تغییر آن (از حالت خوبی به بدی یا بالعکس)، اقدام نمایند. امام صادق (علیه السلام) نیز درباره سنت الهی در جهان می‌فرماید: أُنْبِئُكَ أَنَّ اللَّهَ لَا يَجْرِي الْأُمُورُ إِلَّا بِأَسْبَابِهَا فَيَجْعَلُ لِكُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا...؛ (الانوار اللامعه فی شرح الزیارة الجامعة، ص ۶۲).

خداوند از این که جریان امور عالم را جز از طریق اسباب و علل آن انجام دهد، پرهیز می‌کند. به همین علت، برای هر چیزی سببی قرار داده است.

حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره می کنند. روایت زیر را فریقین از پیامبر اکرم؟ صل؟ نقل کرده اند: یخرج ناس من المشرق فيوطئون للمهدي يعني سلطانه؛ (كشف الغمة في معرفة الأئمة، ج ۳، ص ۲۷۸) در آینده عده ای از مردم مشرق زمین به پا خواهند خواست و زمینه را برای استقرار حکومت مهدی فراهم خواهند ساخت. ابن ابوالفتح اربلی، صاحب كشف الغمة، پس از نقل این حدیث، درباره صحت سند آن می گوید: هذا حديث صحيح روته الثقات والاثبات. (همان)

برخی از روایت ها، شیعیان را به صبر، مقاومت و انتظار فرا می خوانند و انتظار را بهترین عمل انسان می دانند. امام حسن عسکری علیه السلام در نامه ای به علی بن بابویه قمی، به او و همه شیعیان چنین سفارش می کند: عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَانْتَظَارِ الْفَرَجِ فَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ وَلَا تَزَالُ شِيعَتُنَا فِي حُزْنٍ حَتَّى يَظْهَرَ وَلَدِي الَّذِي بَشَّرَ بِهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا فَاصْبِرْ يَا شَيْخِي يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلَى أَمْرِ جَمِيعِ شِيعَتِي بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ بر شما باد صبر و مقاومت و انتظار فرج؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: برترین عمل امت من این است که در صدد فرج و گشایش باشند. شیعیان ما همواره در حزن و اندوه به سر خواهند برد تا این که فرزندان، همان کسی که پیامبر، ظهورش را بشارت داده است، قیام کند و زمین پر از ظلم و جور را پر از عدل و داد نماید. سپس استقامت داشته باش ای ابوالحسن! و همه شیعیان من را به صبر و مقاومت امر کن! چون خداوند مالک زمین است و به هر گروه از بندگان خود که بخواهد آن را می بخشد و پایان و نتیجه کار از آن اهل تقوا است. (بحار الأنوار ج ۵۰ ص ۳۱۷)

نکته های زیر در این حدیث تأمل برانگیز است:

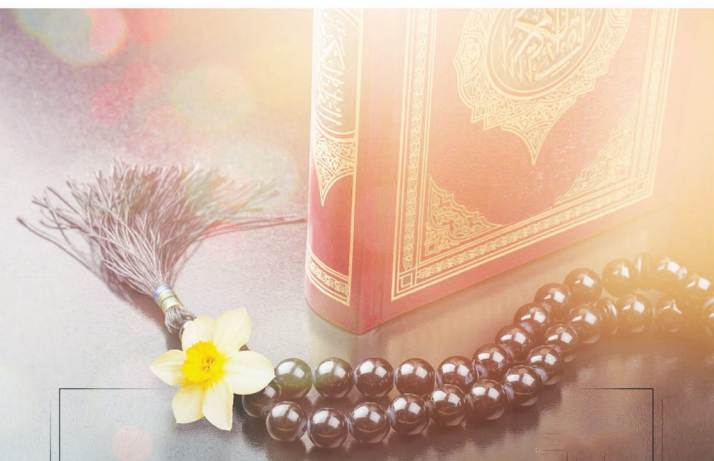
یک. امام حسن علیه السلام در این نامه، پس از توصیه به التزام عملی به تکلیف های فردی، مانند اقامه نماز، دادن زکات، تفقه در دین و تعهد به قرآن و...، عمل به تکلیف های اجتماعی را مانند هم کاری با دیگران، کوشش برای اصلاح امور مردم، احیای امر به معروف و نهی از منکر و...، لازم می شمارد و شیعیان را به صبر کردن و انتظار فرج فرا می خواند.

دو. سخن رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره اهمیت انتظار فرج «أفضل أعمال أمتي انتظار الفرج» در ضمن حدیث امام حسن عسکری علیه السلام آمده است. انتظار فرج در این حدیث، هم سنخ عمل دانسته شده است. «فرج» به معنای مطلق گشایش است که مصداق اکمل آن با ظهور حضرت تحقق می یابد؛ زیرا فرج ظهور، گشایش کلی است. طبیعی است که انتظار چنین فرجی، بر صدر همه انتظارها قرار خواهد گرفت. انتظار فرج و تحقق گشایش بر پایه کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و توصیه امام عسکری علیه السلام، با تلاش و عمل، معنا و مفهوم دارد و بای اعتنایی، بلا تکلیفی و واگذاری اصلاح جامعه به امام زمان علیه السلام، جمع ناشدنی است. کسی منتظر آن حضرت به شمار می رود که با عمل به تکلیف دینی و سر سپردن به تعهد های سیاسی - اجتماعی خویش، در اصلاح وضع موجود بکوشد و برای تحقق اصلاحات بزرگ تر، منتظر قیام حضرت باشد. انتظار فرج با چنین وصفی، برترین عمل می تواند باشد.

برخی از روایت ها، به طور شایسته ای منتظران ظهور حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف را می ستاید: المنتظر للثاني عشر كالشاهر سيفه بين يدي رسول الله يذب عنه؛ (نعمانی، الغيبة، ص ۹۱) منتظران امام دوازدهم همانند مدافعان شمشیر به دست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستند. و نیز می فرماید: کسی که منتظر و آماده ظهور باشد اما ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را درک نکند و بمیرد، همانند کسی است که در خیمه حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و هم راه اوست، بلکه مانند کسی است که در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شمشیر می زند. (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۱۱)

این دو روایت و دیگر روایت های مشابه، به انتظار مثبتی اشاره می کنند که در آن شخص منتظر، خود را ملزم به زمینه سازی، می داند، در آن راه قدم بر می دارد و به اتفاق های پیرامون و وظیفه های دینی، سیاسی و اجتماعی خویش، بی اعتنایی نمی کند.

هم چنین برخی از توقیع های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که شیعیان را به کثرت دعا برای تعجیل در ظهور فرا می خوانند «و اکثرُوا الدعا بتعجيل الفرج» (کمال الدین و تمام النعمة، ص ۴۸۵) و دعاها و روایت هایی که ظهور آن حضرت و شهادت در رکاب او را مهم ترین دغدغه شیعیان در عصر غیبت می دانند نشان دهنده آن است که انتظار ظهور و تعجیل در آن، مستلزم بستر سازی و تلاش برای تحقق آن است.



نگاهی به راهبردهای اصولی سیاسی برای حکومت زمینه ساز ظهور

بابره گیری از قرآن کریم (قسمت چهارم)

فرج الله قاسمی

در قسمت سوم بیان شد که: بررسی و ارائه راهبرد با مبانی قرآنی و فرهنگ انتظار سعی دارد اصول و ارزش ها را در کنار هم در اولویت قرار دهد، نه این که یکی از آن ها را برگزیند، چنان که برخی از مکتب های سیاسی ممکن است اصل برابری را در اولویت قرار دهند و مکتبی دیگر بر اصل آزادی تأکید کند....

برخی مسائل و اصول در راستای وضع مطلوب حکومت امام مهدی عجله الله تعالی فرجه و مبتنی بر ارزش های اسلامی-قرآنی از جمله مسائل عمومی در عرصه جوامع مدعی منتظر ظهور وجود دارد. دومین مورد آن با عنوان «عدالت محوری» به صورت مفصل مورد بررسی قرار گرفت و اینک ادامه بحث:

آزادی عقیده، اندیشه و بیان و تحمیل نکردن آن ها بر مردم

اگر انسان ها ناگزیر باشند در زندگی سیاسی و اجتماعی خود آن چه را به آنان القا می شود انجام دهند، نمی توانند به زوایای وجود انسانی خود دسترسی پیدا کنند و از مسیر تکامل بازمی مانند. پس برای رسیدن به این مهم، انسان ها باید آزاد باشند و از آزادی برخوردار شوند. در اصل این مسئله معمولاً اجماع نظری بین اندیشمندان وجود دارد، ولی مشکل از آن جا شروع می شود که چه کسی یا کسانی مفهوم آزادی را بیان کنند، یا بر چه اساسی آزادی محدود شود؟ برای جلوگیری از این مشکلات که در جوامع امروزی، شاهد آن هستیم، باید به سراغ قرآن کریم برویم و راه حل را از این منبع آسمانی بجوئیم.

آزادی برای بشر امری مطلوب و پسندیده است، اما نه در معنای گسترده آن، که رهایی از هر گونه قید و بند باشد که خود، نفی کننده آزادی است. آزادی در اسلام نابی که [حضرت] مهدی عجله الله تعالی فرجه و برپاکننده آن خواهد بود، آزادی از هر گونه بردگی و بندگی غیر خدا و رهایی از قید و بندهای بشری است. برای آزادی، اقسامی متصور است که در این بحث بر نوع حقوقی و سیاسی آن تمرکز می کنیم.

خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن کریم به اجباری نبودن هدایت و ایمان اشاره فرموده است. به طور مسلم در حکومت [حضرت] مهدی عجله الله تعالی فرجه و نیز به آن عمل خواهد شد؛ چون سیره حکومتی ایشان بر اساس قرآن خواهد بود:

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ. (انعام، ۱۰۷)

قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ.

(انعام، ۱۳۹)

لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَى النَّاسَ جَمِيعًا. (رعد، ۳۱)
وَعَلَى اللَّهِ قَضَاءُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ. (نحل، ۹)

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا.

(یونس، ۹۹)

براین اساس، الگوی آرمانی حکومت مهدوی که به منظور هدایت و تکامل مردم تشکیل میشود و حکومت های زمینه ساز نیز که شرایط را برای ظهور فراهم می کنند، باید از این اصل پیروی کنند و با الزام و اجبار، خود را بر مردم تحمیل نکنند.

الف) آزادی عقیده

یکی از اقسام آزادی و راهبردهای سیاسی که در حکومت های زمینه ساز ظهور می توان با استناد به قرآن در پیش گرفت، بحث عقیده است.

آیا می توان دیگران را به پذیرش عقیده ای خاص مجبور کرد؟ یا این که انسان ها در پذیرش عقیده آزادند؟ گفتمان حکومت منتظر و زمینه ساز ظهور، راهبرد تحمیل نکردن عقیده و دین الهی بر مردم را پیشه خود می سازد. به فرموده قرآن کریم، هر کس در عقیده و دین داری خود آزاد است و هیچ کس را نمی توان به پذیرش دین یا مذهب خاصی مجبور کرد و اکراه و اجبار در عقاید راهی ندارد؛ چون: لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ. این عدم اجبار ممکن است به دلیل تعلیلی باشد که در جمله بعد آمده است: قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ. بدین معنا که در امور مهم که خوبی و بدی و خیر و شر آن ها آشکار است، به اکراه نیازی نخواهد بود، بلکه خود انسان، یکی از دو طرف خیر و شر را انتخاب می کند و عاقبت آن راه می پذیرد و دین و اعتقادات از این قبیل امور است

البته این آزادی بدان معنا نیست که نتایج اعتقادی هر دو طریق (دین‌داری و بی‌دینی) نیز یکسان باشد. درست است که خداوند، انسان را از [نظر] تکوینی آزاد آفریده است، اما هرگز نفرموده که نتیجه هر دو طریق (ایمان و کفر) واحد است و او را به یک مقصد رهنمون می‌سازند. اگر «آزادی و اختیار»، امری تکوینی است، ترتب آثار آن نیز چنین است. «از منظر اسلام، آزادی عقیده، لجام‌گسیخته نیست و حد این چنین آزادی در مرحله عمل، نقض مصالح جامعه است. [حضرت] علی (ع) در مواجهه با خوارج تا زمانی که اقداماتشان جنبه براندازانه پیدا نکرد، در منتهی درجه آزادی و دموکراسی رفتار کرد... زندانشان نکرد و حتی سهمیه آنان را قطع نکرد... آن‌ها در همه جا در اظهار عقیده آزاد بودند. شاید این مقدار آزادی در دنیا بی‌سابقه باشد که حکومتی با مخالفان خود تا این درجه با دموکراسی رفتار کرده باشد.» (مطهری، ۱۳۳۹: ۱۳۴) پس «هنگامی که آن فتنه‌انگیزان عملاً به مبارزه با او برخاستند، پس از یأس کامل از تأثیر نصایح خود و یارانش، با آنان وارد جنگ شد و چشم فتنه را کور کرد.» (شریف‌رضی، بی‌تا: خطبه‌های ۵۸، ۶۰ و ۹۳)

بر این اساس، در حکومت‌های اسلامی زمینه‌ساز که بر مبنای سیره و روش قرآن والگوی آرمانی خود تشکیل می‌شوند، هر گونه تحمیل در این زمینه، ممنوع است و نمی‌توان دیگری را به جرم داشتن عقیده مخالف، محکوم کرد. البته و با وجود آزادی اراده و عدم اجبار در دین نمی‌توان وجود اقلیت‌های سالم از پیروان ادیان آسمانی دیگر را انکار کرد. البته ذکر این مسئله موجب نمی‌شود که حکومت زمینه‌ساز از تلاش جهت رشد و گسترش اعتقادات و اخلاق الهی کوتاهی کند، بلکه باید در جهت اطاعت الهی و دوری از طاغوت همت گمارد.

ب) آزادی اندیشه: آیا مردم در جوامع امروزی از آزادی اندیشه برخوردارند؟ قرآن کریم در موارد بسیاری، مردم را به تفکر و تعقل فرا خوانده و در مواردی نیز بر استماع اقوال و انتخاب بهترین آن‌ها تأکید کرده است: «كَتَابَ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ». (ص: ۳۹) هدف از نزول قرآن این بود که آیاتش، سرچشمه اندیشه و مایه بیداری وجدان‌ها شود. در جای دیگری می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا». (محمد: ۲۴) بر دل‌های آنان که اهل تدبیر و اندیشه نیستند یا برای بستن مسیر آزادی اندیشه تلاش می‌کنند، قفل نهاده شده است. در این جا نیز هدف از نزول قرآن را تدبیر و اندیشه می‌داند. خداوند متعال، مردم را به فهم و تدبیر دعوت کرده است تا فکر و شریعت قرآن برای مردم در زندگی آشکار شود.

به علاوه، قرآن کریم همراه با بیان مسائل عمیق اعتقادی، اشکال‌های و شبهه‌هایی را طرح می‌کند تا مخاطب خود را به اندیشه وادارد. مثلاً هنگام سخن گفتن از معاد و قیامت، شبهه‌های منکران معاد را نیز بیان می‌کند که با نگاه انکارآمیز، هستی خود را در دنیا منحصر می‌دانستند و هلاکت را به طبیعت نسبت می‌دادند.

با توجه به این آیات که انسان‌ها را به آزادی در تعمق، تفکر و اندیشه فرا خوانده است، قرآن کریم نمی‌تواند با آزادی اندیشه، مخالف باشد. در حکومت‌های زمینه‌ساز نیز با استناد به این آیات می‌توان در سیاست‌گذاری راهبردی در حوزه اندیشه از آن‌ها بهره برد. سیاست‌گذاران در حکومت‌های زمینه‌ساز باید با ایجاد فضای باز فکری، عرصه را برای اقشار و فهم‌های مختلف آزاد بگذارند و فهم از دین و مسائل اجتماعی سیاسی اسلام را به فکر و فهم خاصی محدود نسازند؛ چون محدود کردن اندیشه، خسارت‌های جبران‌ناپذیری خواهد داشت.

ج) آزادی بیان: یکی از مواردی که در راهبردهای سیاسی حکومت‌های زمینه‌ساز با استناد به قرآن از آن می‌توان بهره گرفت، آزادی بیان است که در امتداد آزادی عقیده و اندیشه قرار دارد. خداوند می‌فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ». (جاثیه: ۲۴) این آیه ضمن بیان استفاده از تمامی ظرفیت‌ها و تجربه‌های دیگر افراد و کشورها، بر آزادی انسان‌ها در استماع هر گونه کلام و قول و بیان تصریح دارد تا از میان کلام و قول نیکو یا غیرنیکو (اقوال مختلف)، بهترین آن‌ها را برگزینند. این آیه در تجویز آزادی بیان و قلم صراحت دارد؛ چون وجود امکان‌پذیرش مسلمانان از میان افکار و عقاید مختلف، خود، دال بر آزادی بیان و قلم است. البته این که قول احسن و نیکو چیست، در جای دیگری باید بدان پرداخت، اما محل بحث این است که انسان‌ها آزادند هر چیزی را بشنوند. البته نه آن گونه که هر مطلبی را به صرف شنیدن و خواندن باور کنند و بدون استنباط و تشخیص درست از غلط به زودباوری دچار شوند. به طور کلی، از این آیه‌ها می‌توان در سیاست‌گذاری راهبردی در مسئله آزادی بیان بهره برد که از اصول ضروری در جوامع مختلف به شمار می‌رود. احترام گذاشتن به عقاید، اندیشه‌ها، فرهنگ‌ها و هویت‌های مختلف باید به عنوان یک راهبرد سیاسی در حکومت زمینه‌ساز مطرح شود و نباید این امکان را در حکومت‌های زمینه‌ساز از مردم سلب کرد. البته باید دانست آزادی بیان مورد نظر آیات قرآن، به صورت مطلق نیست؛ چون در قرآن نیز ممنوعیت‌هایی در مورد اقوال و بیان‌هایی از جمله غیبت، تهمت، دروغ و... ذکر شده است. ادامه دارد....

حجت الاسلام جواد محدثی

سلوک مهدوی

زندگی معنوی

هرچند تلاش برای تأمین زندگی، نشاط و شادابی و تفریحات سالم، مراعات بهداشت و تندرستی، رفت و آمد با مردم و روابط اجتماعی، فعالیت‌های علمی و آموزشی و... همه خوب و لازم و توصیه اسلام است، هرگز جای «نیاز روحی و معنوی» را نمی‌گیرد.

بخشی از فرصت‌ها باید به عبادت و نماز و دعا و تفکر و امور معنوی بگذرد، تا «خلأ معنویت» پیش نیاید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اوقات درون خانه راسه بخش می‌کرد، بخشی برای خدا، بخشی برای خانواده، بخشی هم برای امور شخصی خویش. (مکارم الاخلاق، ص ۱۳) آن حضرت به نماز عشق می‌ورزید، نشست و برخاستش با یاد خدا بود، از نماز سیر نمی‌شد، وقت نماز که می‌رسید، چنان حالش دگرگون می‌شد که گویا کسی را نمی‌شناسد، برمی‌خاست و در پی نماز می‌رفت. (سنن النبی، ص ۲۵۱)

کسی که چنان در مسائل زندگی و کسب و کار و امور اداری و اجرایی و علمی و آموزشی غرق می‌شود که فرصت یا حال خلوت با خدا و تقویت روح معنوی و استمداد از پروردگار نداشته باشد، زیانکار است. همه امامان ما بخشی از فرصت خود را به امور معنوی و ذکر و سجود و توجه به معبود می‌گذراندند. این که نمازهای واجب روزانه به پنج وقت اختصاص یافته، برای آن است که صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشاء، به یاد خدا باشیم و معنویت از زندگی ما حذف نشود. حضور در نماز جماعت و جمعه، رفتن به زیارت ائمه و زیارت قبور شهدا و اموات، مسجد جمکران، جلسه دعای کمیل و ندبه و... برای ایجاد این فضای معنوی در زندگی کمک می‌کند.

امام زمان علیه السلام نیز مثل ائمه دیگر در این زمینه برای ما سرمشق است. در زیارت آل یاسین، ما به حضرت سلام می‌دهیم، آنگاه که می‌نشیند و می‌ایستد، آنگاه که قرآن می‌خواند، آنگاه که در نماز و قنوت است، آنگاه که به رکوع و سجود می‌رود، آنگاه که خدا را حمد می‌کند و تسبیح و تکبیر می‌گوید و استغفار می‌کند:

السَّالِمُ عَلَيْكَ يَا رَبِّكَ وَسَجْدُ
(سلام بر تو هنگام رکوع و سجود)

لحظات نماز و رکوع و سجود و ذکر و دعا و ستایش آن حضرت، آن قدر برای ما عزیز و ستودنی است که بر آن حالات و لحظات امامان ارج می‌نهیم و به حضرتش سلام می‌دهیم.

زندگی معنوی به این است که از یاد نبریم که ما بنده ایم و خدایی داریم که مولای رحمان ماست، هرچه داریم نعمت اوست، پس باید شکرگزارش باشیم. اگر گرفتاری و نیازی داریم دست به درگاه او بلند کنیم، اگر موفقیتی داریم از لطف او بدانیم، اگر خطا و گناهی می‌کنیم فوری به درگاهش معذرت‌خواهی و استغفار کنیم، نام و یاد او از زبان و دلمان نیفتد، به تقدیر او راضی و تسلیم باشیم، حاجتمان را از او بخواهیم، درد دلمان را با او بگوییم، او را بستانیم، از او مدد بجوئیم، در پی کسب رضای او باشیم، انجام واجبات را جدی بگیریم، او را سبب‌ساز بشناسیم و توکل‌مان بر او باشد و خدا در زندگی ما جایی داشته باشد.

در یکی از دعا‌های امام زمان علیه السلام است:

وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ لَا يَبْسُطُ كَفًّا إِلَّا إِلَيْكَ؛ (زیارت ناحیه مقدسه)

مرا از آنان قرار بده که جز به درگاه تو دست طلب نگشایم. بعضی‌ها تنها وقتی به یاد خدا می‌افتند که دچار دردسرو گرفتاری می‌شوند. خدا همیشه دوست دارد صدای نیایش بنده‌اش را بشنود. امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ چیز نزد خدا محبوب‌تر از آن نیست که از او درخواست شود. نیز فرمود: سزاوارتر است که دعای مؤمن در حالت گشایش و آسایش، مثل دعایش در حال شدت و گرفتاری باشد. (اصول کافی، ج ۲، ص ۴۸)



در توصیه‌های معصومین آمده است که در حال خوب و خوش و عافیت و آسودگی هم دعا کنید، چنان نیست که در این وضع، بی‌نیاز از خدا باشید، بلکه به دعا محتاج‌ترید، زیرا ممکن است موجب غفلت و غرور گردد. وقتی سایه‌ای از معنویت و یاد خدا بر زندگی‌ها سایه افکن باشد، خدا هم بنده‌اش را دوست خواهد داشت و به او عنایت خواهد کرد.

امر به معروف و نهی از منکر...

اسلام، آیینی اجتماعی است و علاوه بر اصلاح فرد، به رشد اجتماعی و اصلاح جامعه هم نظر دارد. برای بهبود وضع جامعه، وضع قوانین لازم است و بهترین قوانین هم وقتی کارساز است که به آن عمل شود. ضامن اجرای قوانین اسلام، هم حکومت اسلامی و نیروی اجرایی و قضایی است، هم تعهد و احساس مسئولیت مردم. از این رو یک تکلیف دینی بر دوش همه است، به نام امر به معروف و نهی از منکر، به خصوص در مرحله «تذکر لسانی» که نظارت افراد بر عملکرد دیگران و دولت را در بردارد.

امر به معروف و نهی از منکر، دو فریضه واجب است و در کنار نماز و روزه، از فروع دین به شمار می‌آید. خداوند در قرآن مکرر به آن دستور داده و آثار آن را فرموده است. در روایات، از این واجب به عنوان «اسمی الفرائض» و بالاترین واجب‌ها یاد شده است. امام باقر علیه السلام فرمود:

امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و روش صالحان است، واجبی بزرگ که واجبات دیگر به وسیله آن برپا می‌شود و راه‌ها ایمن می‌گردد و کسب‌ها و درآمدها حلال می‌شود. (وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۵۹)

پیامبران، پیش‌تاز عمل به این تکلیف الهی بودند. خداوند یکی از رسالت‌های پیامبر اعظم ﷺ را امر به معروف و نهی از منکر شمرده است. در سیره امیرمؤمنان علیه السلام و ائمه دیگر هم انجام این وظیفه، جایگاه خاصی دارد. حتی امام حسین علیه السلام قیام جاودانه خود را که برای مبارزه با ستم و جور و احیای دین و نفی بدعت‌ها و اجرای احکام قرآن بود، با هدف امر به معروف و نهی از منکر معرفی کرد. در جامعه خداپسند، این فریضه باید زنده و اثرگذار باشد. در روایات، به کسی که به این دو واجب عمل نمی‌کند و نه قلب، نه زبان و نه با دست و اقدام عملی عکس‌العملی از خود در مقابل مفاسد و گناهان و بدعت‌ها از خود نشان نمی‌دهد، «مرد هزنده‌نما» و به تعبیر حضرت علی علیه السلام «میت‌الاحیاء» گفته شده است. و آن حضرت، قوام و برپایی دین را در سایه این دو فریضه دانسته است. ناگفته نماند که عمل به این دو واجب شرعی، شرایطی دارد و برای آن مراحل و مراتب و شیوه‌های خاص بیان شده که باید با آن‌ها آشنا بود و باید صفات شایسته و لازم برای آمر و ناهی را داشت و خودساخته بود تا به دیگرسازی پرداخت. جامعه مطلوب آن است که مردم، با احساس تکلیف دینی نسبت به همه کارها نظارت کنند و بی‌تفاوت نباشند و فرهنگ «به من چه» نداشته باشند. اگر این احساس و وظیفه در جامعه کمرنگ شود و هرکس به امید دیگری دست روی دست بگذارد و حرفی نزنند و اقدامی نکنند، هم مفاسد، دامن گیر همه می‌شود (آتش که گرفت، خشک و تر می‌سوزد)، هم عذاب الهی همه را در برمی‌گیرد، گنه‌کاران را به خاطر گناهانشان و دیگران را به خاطر سکوتشان.

پیامبر خدا ﷺ فرمود: إِذَا رَأَى النَّاسُ مُنْكَرًا فَلَمْ يَغَيِّرُوهُ عَمَّهُمُ اللَّهُ بِالْبَلَاءِ؛ هرگاه مردم منکر و زشتی را ببینند و جلوی آن را نگیرند، کیفر الهی همه را فرا می‌گیرد. (تفسیر تبیان، ج ۴، ص ۴۴)

تلاش برای گسترش خوبی‌ها در جامعه و مقابله با بدی‌ها، بسیار مقدس است، کاری است که امام مهدی علیه السلام با قیام جهانی‌اش این هدف را در سطح جهانی پیاده خواهد کرد و دنیا را اصلاح خواهد نمود. منتظران او هم باید در حدّ توان در شعاع تأثیرگذاری خودشان به این مهم پرداخته و به این هدف کمک کنند. در دعای ندبه، از آن حضرت با عنوان منتظر برای برطرف کردن کژی‌ها، امید برای زدودن ستم، مهیا برای ریشه‌کن کردن ستمگران، ذخیره برای تجدید فرائض و سنن و احیای آیین و شریعت و قرآن و حدود و احکام آن یاد شده است.

عصر ظهور، جامعه آرمانی همه ما و مستضعفان جهان است. منتظر ظهور هم باید احساس تعهد و تکلیف کند و بی‌تفاوت نباشد.

تولی و تبری...

کلمه نخست مسلمانان «لا اله الا الله» است، یعنی نفی معبودهای دیگر و اثبات معبود راستین، یعنی خدا. این نفی و اثبات، سنگ زیربنای اسلام و توحید است. در آیه‌الکرسی هم می‌خوانیم:

فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى؛ کسی که به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکم و استوار، چنگ زده و تمسک کرده است.

ما در برابر حق و باطل، عدالت و جور، مؤمنان و کافران، دوستان و دشمنان نمی‌توانیم برخورد یکسان داشته باشیم. باید با جناح حق و افراد خوب و با خدا و دین اولیای الهی، همبستگی و پیوند داشته باشیم و یاری و حمایت کنیم (ولایت) و از کفر و نفاق و ظلم و افراد بد و دشمنان دین، اظهار تنفر و بیزاری کنیم و موضع ما در برابر آنان روشن باشد (برائت).

تولی، مطیع و حامی «ولی خدا» بودن است و تبری، جبهه‌گیری در برابر باطل و ضلالت و جباران است.

امام رضا علیه السلام فرمود: کمال الدین ولایتنا و البرائة من أعدائنا؛ کمال دین، ولایت ما و برائت و بیزاری از دشمنان ماست. (بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۵۸).

این تولی و تبری، تنها در مرحله قلبی و اظهارات زبانی نیست. موضع عملی شیعه باید جانبداری و حمایت و نصرت از امام حق و جبهه حق و مبارزه و تقابل با ستمگران و اهل باطل باشد. در حادثه عاشورا، آنان که اهل تولی نسبت به حضرت و تبری از دشمنانش بودند، کناری ننشستند که تنها دعا کنند، به یاری او شتافتند و در این راه، جان فدا کردند و شهید شدند. شب عاشورا، سخن یاران حضرت این بود: نُوالی مَنْ والاک و نُعادى مَنْ عاداک؛ با هر که دوستدار تو باشد دوستی می‌کنیم و با دشمن تو دشمنی می‌کنیم. (عنصر شجاعت، ج ۱، ص ۱۶۴) اظهار همبستگی با اولیای خدا و جدا کردن خط خود از دشمنان دین و ائمه، تجلی تولی و تبری است. مگر می‌شود کسی دم از خدا و دین و پیامبر و امام زمان علیه السلام بزند، ولی با دشمنان اینان، روابط حسنه و دوستی و همدلی داشته باشد؟! مگر می‌شود کسی منتظر امام زمان علیه السلام باشد، ولی با آنان که دشمن آن حضرت‌اند، دشمن نباشد؟ پس تکلیف واجب «تولی و تبری» که از فروع دین است چه می‌شود؟ از کجایک شیعه واقعی و شیعه ظاهری را می‌توان شناخت؟

ولایت با امام زمان علیه السلام و برائت از دشمنانش در زندگی یک شیعه باید ظهور و بروز داشته باشد. وقتی در زیارت آل یاسین خطاب به حضرت مهدی علیه السلام می‌گوییم: «أنا ولی لك، بری من عدوك؛ من با تو ولایت و همبستگی و دوستی دارم و از دشمن تو بیزارم» باید بدانیم امروز، دشمن آن حضرت چه کسانی‌اند و برائت ما از آنان چگونه تحقق و نمود پیدا می‌کند؟

امام زمان علیه السلام در یکی از نامه‌ها و توقیعاتش نوشته است: أَشْهَدُكُمْ أَنَّ كُلَّ مَنْ نَبَرَأَ مِنْهُ فَإِنَّ اللَّهَ يَبْرَأُ مِنْهُ وَمَلَائِكَتُهُ وَرُسُلُهُ وَأَوْلِيَايَاهُ؛ شما را گواه می‌گیرم که هر کس ما از او برائت و بیزاری بجوییم، خدا و فرشتگانش و پیامبران و اولیائش از او بیزاری می‌جویند. (معادن الحکمه، ج ۲، ص ۲۸۳) ولایت ائمه علیهم السلام، معیار است. پس با این خاندان تولی داشته باشیم.

عهد و پیمان با مولا

رابطه ما با پیشوایان الهی، بر اساس عهد و پیمان است. وقتی امامت آنان را پذیرفته‌ایم، برای اطاعت و فرمانبرداری و تسلیم بودن در برابر اوامر و اجرای دستورهای آنان و فدا کردن مال و جان در این راه، عهد بسته‌ایم.

امروز این عهد و پیمان، با حضرت مهدی علیه السلام است. یکی از دعا‌های مورد سفارش، «دعای عهد» است که از امام صادق علیه السلام نقل شده و توصیه شده که هر صبح، با خواندن این دعا، عهد خویش با مولا یمان را تجدید کنیم.

شیعه منتظر می‌گوید: خداوند، من امروز و هر روز، این عهد و پیمان و بیعت را که بر گردن من است، با او تجدید می‌کنم. یا همین مضمون را با تعابیر دیگری در دعای عهد می‌خوانیم.

این عهد، تکالیفی سنگین بر دوش ما می‌گذارد. عهد بستن و پیمان شکستن، دور از جوانمردی و ایمان است. پس باید همواره در یاد و خاطرم‌ان باشد که چنین پیمانی با مولای خویش بسته‌ایم. کسی که آرزو دارد در زمره یاران آن حضرت باشد، باید صلاحیت‌های «انصار قائم» را در خود پدید آورد.

طبق روایات متعدد، وقتی امام ظهور کند، یاران ۳۱۳ گانه‌اش از اطراف جهان به او می‌پیوندند و با او عهد و پیمان می‌بندند. در یکی از این عهدنامه‌ها که سید بن طاووس رحمه الله نقل کرده است، این مضامین آمده که آنان با امام خویش بیعت می‌کنند که:

.... راه‌زنی و حرام‌خواری و ظلم به یتیم و ایجاد ناامنی نکنند، شراب نخورند، خیانت نکنند، پیمان نشکنند، احتکار نکنند، خونی را به ناحق نریزند، لباس‌های زبر و خشن بپوشند، غذای ساده بخورند، به اندک قناعت کنند، در راه خدا جهادی شایسته کنند، خوشبو باشند و از پلیدی پرهیز کنند.... (منتخب الأثر، ص ۴۶۹)

این بیعت نامه که میان یاران آن حضرت و او بسته می‌شود، برای همه منتظرانهم یک سند و منشور است و بند بند این عهدنامه و امثال آن باید در زندگی فردی و اجتماعی آنان تحقق و تجلی داشته باشد تا لیاقت «سربازی امام زمان» را داشته باشند و در زمره منتظران راستین اوبه شمار آیند.

عطر حرم ظهور هشدرع کشف ملامت

پایان تاریخ وزمان شکل گیری ظهور حضرت مهدی موعود

عجل الله تعالی
فرجه الشریف

حجت الاسلام خدا مراد سلیمیان
| قسمت اول



شیعه دوازده امامی، با بهره گیری از آموزه های پیشوایان علیهم السلام حضرت مهدی علیه السلام را موعود امت ها و حکومت ایشان را نیکوترین فرجام زندگانی انسان ها بر زمین می داند. در این نگاه، با ظهور حضرت، افزون بر بهره مندی مردمان آن دوران، برخی از نیک ترین و صالح ترین و نیز بدترین و تبه کارترین انسان ها که پیشتر از دنیا رفته اند، به دنیا باز میگردند، تا شایستگان، از برپایی حکومت عدل و قسط شادمان، و تنبهاران، از آن عدل جهانی آزرده خاطر گردند. و دنیا، همچنان بر مدار دادگری خواهد گشت، تا زندگی دنیایی پایان یابد.

پیشوایان معصوم علیهم السلام، با الهام از وحی الهی و سرچشمه های آن، پیوند مهدویت و آخرالزمان را به روشنی بیان کرده اند:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «دنیا به انجام نمیرسد؛ مگر این که امت مرا مردی رهبری کند که از اهل بیت من است و به او مهدی گفته می شود.»

کتاب الغیبة، ص ۱۸۲، ج ۱۴۱

امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز بر منبر مسجد کوفه فرمود:

«اگر از دنیا بیش از یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را چنان طولانی خواهد کرد، تا این که مردی از خاندانم برانگیخته شود.»

کتاب الغیبة، ص ۴۶

توجه به «آخرالزمان» در فرهنگ بیشتر دین ها و آیین های بزرگ - به ویژه در ادیان ابراهیمی - به چشم می خورد. این توجه در فرهنگ اسلامی از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

واژه آخرالزمان در قرآن به کار نرفته است؛ اما مطالب گوناگونی درباره آن، از آیات قابل استفاده است. قرآن کریم به طور کلی، جهانیان را به دو بخش پیشینیان و پسینیان تقسیم کرده و برای هر یک ویژگی هایی بیان نموده است. به نظر می رسد بتوان پسینیان را بخشی از انسان های آخرالزمان دانست. آن گاه که سخن از دوران آخرالزمان به میان می آید، همواره به دو پدیده بسیار مهم و بزرگ اشاره می شود: اول ولادت و برانگیخته شدن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در جایگاه واپسین فرستاده الهی و دوم ظهور و قیام موعود نجات بخش، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

از این رو شکی نیست اینک ما در دوران «آخرالزمان» به سر می بریم. این دوران، دارای دو ویژگی مهم و اساسی است: یک اینکه؛ آخرین مرحله زندگی در دنیا است. با سپری شدن این دوران، زندگی در دنیا به پایان رسیده، مرحله ای دیگر در نظام آفرینش آغاز می شود. دوم اینکه: این دوران، خود به دو بخش با ویژگی های خاص تقسیم می شود.

یک. دورانی سراسر انحطاط اخلاقی، ستم و بیداد؛

دو. دورانی سرشار از معنویت در پرتو حکومت شایستگان. بنیان های کلی باور به این دوران را همه مذاهب و گروه های بزرگ اسلامی پذیرفته اند، ولی در راستای وابستگی این دگرگونی ها به ظهور و قیام حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و نیز ویژگی های شخص آن مصلح جهانی، دیدگاه های ناهمگونی پدید آمده است.

نشانه‌های آخرالزمان

در قرآن و سخنان معصومان علیهم‌السلام نشانه‌هایی برای آخرالزمان گفته شده که در اصطلاح «علائم آخرالزمان» خوانده می‌شود. ختم نبوت و نزول واپسین شریعت که با ظهور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پدیدار شد، نخستین نشانه آخرالزمان به شمار می‌رود. در آخرالزمان، پدیده‌های فراوان دیگری نیز پیش بینی شده، که بیشتر به دوره پایانی آن (آستانه ظهور مهدی علیه‌السلام) مربوط می‌شود که برخی از آن‌ها بدین قرارند:

یک. بحران معنویت

پیش از ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف جو حاکم بر جهان، جو ستم، گناه و فساد خواهد بود: «افْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ»؛ برای مردم، [وقت] حسابشان نزدیک شده است، و آنان در بی‌خبری روی گردانند. (انبیاء، ۱). در این آیه، مردم آخرالزمان، به غفلت و اعراض از خداوند متصف شده‌اند. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره ویژگی‌های انسان‌های این دوران فرمود: زمانی بر مردم خواهد آمد... که درهم‌های آنان دینشان خواهد بود و همت ایشان شکمشان و قبله آن‌ها زنانشان. برای طلا و نقره، رکوع و سجود به جای می‌آورند. آنان همواره در سرگردانی و مستی خواهند بود. نه بر مذهب مسلمانی اند و نه بر مسلک نصرانی. (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۶۶)

دو. وقوع اختلاف‌ها و درگیری‌های بسیار

«فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ»؛ اما دسته‌های گوناگون از میان آن‌ها به اختلاف پرداختند، پس وای بر کسانی که کافر شدند از مشاهده روزی دهشتناک. (مریم، ۳۷). روایات، این آیه را به ظهور فرقه‌های گوناگون در جهان اسلام مربوط دانسته‌اند که در آخرالزمان پدید آمده، موجب اختلاف‌های بسیار خواهند شد. در این دوران، انسان‌های فراوانی به کثرت می‌گیرند، اما این گونه نیست که تمام انسان‌ها در مسیر باطل گام بردارند؛ بلکه برخی به سبب ویژگی‌ها و صفاتی که در خود پدید می‌آورند، از نجات یافتگان این مرحله خواهند بود.

سه. ظهور دجال

در هر سه دین آسمانی یهود، مسیحیت و اسلام، ظهور فاسدترین و مخرب‌ترین جریان منحط در طول تاریخ، پیش بینی و از خطر آن پرهیز داده شده است. دجال که تجسم کفر، فریب و گمراهی است، در آخرالزمان ظاهر شده، مردم را به پرستش خویش می‌خواند. این پدیده سرانجام به دست عیسی علیه‌السلام محو و نابود خواهد شد.

چهار. وقوع مصیبت‌های بزرگ

برخی از آیات، عذاب بر کافران آخرالزمان که نزول عذاب را انکار می‌کنند، تطبیق داده شده است: «إِنَّ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ»؛ اگر عذاب او شب یا روز به شما دررسد، بزهکاران چه چیزی از آن به شتاب می‌خواهند؟ (یونس، ۵۰).

پنج. خروج سفیانی

بیشتر مفسران، از ظهور لشکری طغیانگر که در کشورهای اسلامی به ستم و تعدی پرداخته، سرانجام در صحرایی بیرون از مکه، گرفتار عذاب الهی میشود، خبر داده و آیه ۵۱ سوره سبا؛ وای کاش می‌دیدید هنگامی را که [کافران] وحشت زده اند [آن‌جا که راه] گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار آمده‌اند را درباره آن لشکر دانسته‌اند.

در روایات شیعه و سنی، نام رهبر این لشکریان، سفیانی ذکر شده است.

شش. ندای آسمانی

بنابر روایات شیعه، جبرئیل نخستین کسی است که با امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بیعت و با صدایی بلند به گونه‌ای که به گوش همه جهانیان برسد، این آیه را تلاوت می‌کند: «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ»؛ فرمان خدا رسید؛ پس دیگر شتاب مکنید. (نحل، ۱)

هفت. ظهور منجی بزرگ بشر

مهمترین رخداد آخرالزمان، ظهور دوازدهمین امام شیعیان برای رهایی انسان‌ها است: «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»؛ (اسراء، ۸۱). حق آمد و باطل نابود شد. آری، باطل همواره نابودشدنی است. این آیه که از پیروزی چشمگیر حق بر باطل سخن می‌گوید، در روایات، به ظهور مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تأویل شده است.

ادامه دارد...





لیلی زهدی

ناجی زمین بیا...

کف دست هایش را دیده بودم، با قلبش برابری می کرد
بی غل و غش بود و بی روی و ریا
مکری نداشت
آخر «خیرالماکرین» را خوب می شناخت
او از همه مکذرات زمانه مبرا بود
دماغی پر باد نداشت
سر به آسمان نمی سایید
گام هایش هم به زمین طعنه نمی زد
در خلوصش تردیدی نبود
آرامش چشم های نم دارش حرف های بسیاری برای گفتن داشت
اقیانوسی در خود نهان داشت دل شیشه ای اش
شکوه ای نداشت؛
نه از تو، نه از من، نه از زمانه
او مقرب بود و مشتاق
مشتاق دیدار آقای زمانه اش؛ ولی امر زمین
آخر می دانست تا او نیاید هیچ چیز سامان نمی پذیرد
و هیچ کس رنگ واقعی خوشبختی را نخواهد دید
و هیچ دردی درمان نخواهد شد
آقای خوبان! ناجی نجیب زمین!
بیاتاسامان پذیرد همه نابسامانی ها
و درمان شود همه دردهای بی درمان...

مونس قلب های حزین

آقا جان! شنیده ام می خواهید سر بگذارید بر زانوی تان
می گفت می خواهید بلورین چشمانش را تنها بر دامن شما بریزد
می خواهد شرح درد کند مولا
می خواهد از نامردمی ها بگوید به امید آنکه کمی آرام گیرد
آخر بار سنگین قلبش بی تابش کرده است
ای کاش دستی بیابد تمنای شانه اش...
آقا! بیا و ببین به نجوا خفتگان بیقرار را
شب نامه های شان را بخوان
همان ها که سطر سطرشان به آب دیده تر شده است
یقین دارم که از سوز درون شان باخبری
مولا جان! حرف ها بسیارند و شنوایی نیست
دل تنگی هایی شمارند و غمگساری نیست
دیری است سنگ صبورها ناصبور شده اند و «گوش ها ناشنوا»!
و مشکل همین جاست؛ مشکل گوش های مستتر است
گوش ها که مستمع باشند قلب ها از دست نمی روند
به جرم گوش های ناشنوا
دیگر نه دل ها را اتصالی است نه پاها را کشی...
مونس قلب های حزین!
اعجاز ظهورت خط پایانی است بر همه شوریدگی ها
بیا و دل های پریش را مونس باش...

دسته گل‌های نرگسی

تا قرآن هست امام عَلَيْهِ السَّلَام هم هست...

حدیث ثقلین دلالت بر وجود امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام دارد و از ادله صریحه اثبات امامت است؛ زیرا در بخشی از آن، از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آمده است: «سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ لَا يَفْرَقَ بَيْنَهُمَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ فَاسْتَجَابَ لِي» (از خدا خواسته‌ام که بین آن دو [عترت و قرآن] جدایی نیندازد، تا اینکه در کنار حوض [کوثر] نزد من حاضر شوند، و خداوند این دعای مرا اجابت نمود).

نک: شواهد التنزیل ج ۱، ص ۱۹۱؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۹ و ۲۸۷.

بنابراین، هر وقت قرآن دست این امت باشد، اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز هست. تا آخر الزمان و تا حاکمیت حکومت حقّه، قرآن هست، که فرمود: «لَا يَنْقُي مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رُسْمُهُ» تا این که از قرآن جز نگاشتن آن باقی نمی‌ماند. الکافی ج ۸ ص ۳۰۷

و تا وقتی که قرآن هست، عامل به قرآن و حامل و مجری و مفسر و عدیل قرآن هم با او هست. چه حاضر باشد و یا غایب از انظار. البته ما با در اختیار داشتن این همه ثروت، باز دست‌گذاری به غربی‌ها [و اجنبی] - که [دولت‌هایشان] هیچ انسانیت ندارند و مانند وحوش بلکه پست‌ترند - دراز می‌کنیم! در آنجا هر که پول دارتر و ثروتمندتر است و بیشتر در انتخابات پول خرج می‌کند، وارد مجلس می‌شود، و به همین ملاک رئیس مجلس می‌شود، و یا رئیس مجلس را مطیع و تابع خود می‌کند.



قرآن و عترت ملازم یکدیگرند

اکثر متدینین روز، نصرانی هستند و به قرآن معتقد نیستند و از قرآن منتفع نمی‌شوند. چه کنیم؟!

با وجود نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و الی ماشاء الله امثالش، اهل سنت [از آن‌ها] منتفع نمی‌شوند، حتی [از قرآن هم] منتفع نمی‌شوند. منتفع شدن از قرآن هم شرطش این است که با عترت باشد. یکی از ادله وجود حضرت صاحب الزمان عَلَيْهِ السَّلَام در روایت ثقلین است که:

«سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ لَا يَفْرَقَ بَيْنَهُمَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ فَاسْتَجَابَ لِي». تا هر وقت که قرآن هست، عترتی هست که مفسر قرآن، عدیل قرآن، و واجب الطاعة مثل قرآن باشد و با قرآن کأنه عینیت و اتحاد داشته باشد. پس نمی‌شود قرآن باشد و حجت از عترت با آن نباشد. همین روایت ثقلین، یکی از ادله‌ای است که صاحب الزمان عَلَيْهِ السَّلَام هست، کسی نمی‌تواند بگوید که قرآن هست و او نیست!

هرچه که مشتمل هست بر این ذیل: «سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ لَا يَفْرَقَ بَيْنَهُمَا» و «تَارِكٌ فَيَكُمُ الثَّقَلَيْنِ»، هر دو با هم. مگر می‌شود که یکی از دیگری جدا بشود؟ ... اگر کسی یکی را تضییع کرد، هر دو را تضییع کرده است. اگر یکی را از دست انداخت، آن دیگری هم از دست افتاده است. [کسی که عترت را رها کرده است] دروغ می‌گوید که قرآنی است. بنی امیه و بنی عباس می‌گفتند: ما قرآنی هستیم! دروغ می‌گفتند.

قرآن دو صفت گذاشته است: متقی و فاسق عادل و ظالم مؤمن و کافر. معلوم است که این، صفت چه کسانی و آن، صفت چه کسانی هستند! شما قرآنی هستید؟! شب و روز دارید می‌جنگید!

امیدواریم که خدا توفیق بدهد که قدر دان علمای خودمان و محترمین شرعی خودمان باشیم این‌ها را کالعدم بگیریم؛ وگرنه بعد، از کارمان پشیمان می‌شویم!

کتاب حضرت حجت، ص ۹۸ و ۹۹



اصحاب آخر الزمانی سیدالشهداء

«یاد شهیدان گران قدر حوادث اخیر را گرامی میدارم؛ سرداران شهید، دانشمندان شهید که حقاً و انصافاً ارزشمند بودند برای جمهوری اسلامی و خدمت کردند و امروز در پیشگاه پروردگار، پاداش خدمات برجسته‌ی خودشان را دریافت میکنند ان شاء الله.» ۵/۰۴/۱۴۰۴

«همه چیز دست خدا است...!» این‌ها را سردار محمد باقری می‌گوید؛ می‌گوید و محجوبانه سر به زیر می‌اندازد تا بغضش را از عقب ماندن از قافله‌ی شهدا و به خصوص برادر شهیدش پنهان کند. «خدا»، این واژه‌ی سه حرفی، مسیر زندگی و تلاش و مجاهدات همه‌ی سربازان سال‌های قبل و سرداران دیروز و شهدای امروز؛ آنانی که در تمام سال‌های عمر، بیش و پیش از آنکه امیدشان به ابزار و جنگ‌افزار باشد به خدا و ایمان به او و عده‌های صادقش بود؛ همین هم باعث شد که در اوج زرق و برق دنیایی، مهر خمینی کبیر علیه السلام و حرف‌ها و شعارهایش به دلشان بنشیند.

سایر شهدای بامداد جمعه بیست و سوم خرداد هم از این قاعده مستثنا نیستند. غلامعلی رشید، حسین سلامی، امیرعلی حاجی‌زاده و دیگران، همگی در زمانی به ندای توحیدی خمینی کبیر علیه السلام لبیک گفتند که از نظر حساب و کتاب‌های مادی، منطق‌چندانی نداشت. آن‌ها نور خدا را در شخصیت خمینی علیه السلام دیده بودند و همین برایشان کافی بود، حتی اگر مسیری که خمینی کبیر علیه السلام به آن اشاره می‌کرد، در دنیا هیچ رهروی جز ملت ایران نداشته باشد. منبع قدرت، خدا بود؛ برای قدرتمند شدن هم باید به او متصل شد و خمینی حلقه‌ی این اتصال بود.

وعده خدا این بود که اگر او را یاری کنند، یاری‌شان می‌کند و آن‌ها به این وعده ایمان داشتند؛ پس تمامشان را برای خدا گذاشتند و خدا هم به وعده اش عمل کرد. متجاوز بعثی، بعد از هشت سال جنگ و با وجود چند برابر شدن و توسعه ماشین جنگی اش به سبب یاری شرق و غرب، بهره‌ای از خاک این مُلک نبرد و در نهایت، تسلیم اراده‌ی باقری و رشید و سلامی و دیگر رزمندگان شد.

خدا پای وعده‌اش ایستاده بود. مردان با اراده‌ای که دیکتاتور بعثی تسلیم اراده‌ی آن‌ها شد، در تمام طول سال‌های پایان جنگ تا ایران قدرتمند امروز، تسلیم خدا و اراده و رضای او بودند و مگر برای چنین کسانی پایانی جز شهادت می‌توان متصور بود؟ شهادت پاداش طبیعی یک عمر مجاهدت بود برای کسانی که تصمیم گرفته بودند جز در مقابل خدا، در برابر هیچ چیز سر خم نکنند.

به تعبیر سیدمرتضی آوینی، اصلاً غایت خلقت جهان هم همین بوده؛ اینکه انسان‌هایی پرورش یابند که در برابر شداید، بر هرچه ترس و شک و تردید و تعلّق غلبه کنند و حسینی شوند. این غلبه بر تعلّق‌ها و تردیدها است که قدرت می‌آورد و این‌ها استاد تمام غلبه بر تعلّق‌ها هستند.

محمد باقری درست فهمیده بود که همه چیز دست خدا است! خدایی که دهه‌ی ۶۰ بود، سال‌های جنگ بود و الان هم هست؛ خدای «أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ»، وقت نصرت و امداد؛ خدای وعده‌های صادق «لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ» و این بندگان نیک او که پای یاری دینش آمدند؛ اصحاب آخر الزمانی سیدالشهداء علیهم السلام که حتی اگر هم جنگ نمی‌بود، باز هم راه و سرنوشت‌شان از کربلا می‌گذشت.

آینه ۶۱

عبرت از عملکرد مردم سال ۶۱ هـ. قمری نسبت به منجی

اهمیت شناخت خط فکری در دو جامعه

دینداری بی ولایت

بیابید از خودمان بیرسیم: چطور ممکن است مردمی اهل نماز و قرآن باشند، ولی روبروی ولی خدا بایستند؟ این، اتفاقی بود که نه فقط در کربلا، بلکه خیلی قبل تر هم افتاده بود؛ مثلاً در نهروان.

امیرالمومنین علیه السلام در نهج البلاغه خطبه ۹۳ می فرمایند: "من بودم که چشم فتنه را در آوردم در حالی که جز من کسی جرات نزدیک شدن به آن را نداشت..." فتنه به چه معناست؟ یعنی جایی که مرز حق و باطل نامشخص می شود افراد، ظاهر دینی دارند. اما در عمل روبروی امام، که ستون دین است می ایستند. خوارج دقیقاً همین طور بودن؛ اهل عبادت بودن، قرآن می خواندن... ولی در آخر، در مقابل علی علیه السلام ایستادند. چرا؟ چون "معرفت به امام" نداشتن.

اینجاست که این جمله‌ی کلیدی را باید با خط درشت نوشت:

"ممکن است علی شناس باشی، ولی امام شناس نه!"

باید بشناسی...

درگیری حق و باطل اولین درگیری عالم، طولانی ترین درگیری، وسیع ترین درگیری، اصلی ترین درگیری و فراگیرترین درگیری است. از زمانی که انسان مکلف به انجام تکلیف شد درگیری جبهه حق و باطل شکل گرفت. اگر خط فکری هر جبهه را بشناسیم و به خط فکری حق و باطل آشنا باشیم می توانیم طرف درست تاریخ را انتخاب کنیم و همان طرف بایستیم. یکی از شخصیت های عجیب تاریخ شَبَث بن ربعی است. با امام علی علیه السلام در جنگ صفین همراه بود. ولی در کربلا فرمانده یکی از جناح های لشکر عمر سعد شد!

چطور یک انسان به اینجا می رسد؟

فقط به خاطر اینکه حق و خط فکری آن را نشناخته است.

شناخت خط فکری و ایستادن در سمت درست به سواد، سن و سن و سال و سلامت جسم و ... خیلی مرتبط نیست؛ بلکه به درک و فهم و معرفت انسان بستگی دارد.

جبهه سومی وجود ندارد...

مسلمانان زمان امام حسین علیه السلام سه دسته بودند:

یک دسته اقلیت بودند که نمازشان را به امامت امام حق، خواندند؛ تعدادشان کم است، بیشترین آمار ذکر شده ۱۰۰۰ نفر در جبهه حقند.

دسته دیگر زندگیشان را به امام باطل اقتدا کردند، اینها هم عددشان خیلی زیاد نیست ۳۰۰۰ هزار نفرند.

اما اکثریت مسلمان ها نمازشان را فرادا خواندند نه امام حق را انتخاب کردند نه امام باطل را اینها جبهه سوم نیستند، چون نتیجه بی تفاوتی شان به نفع جبهه باطل است؛ لذا در شمار جبهه باطل محسوب می شوند؛ در حال حاضر حمایت از استکبار و خرید هر کالایی که ساخت دشمن است همین حکم را دارد مثل این می ماند که ما از اسرائیل و جنایتکاران دیگر بیزاریم، ولی از طرف دیگر کالاهای آنها را مصرف می کنیم؛ این به عبارت دیگر همان سیاهی لشکر دشمن شدن است و فرقی با دسته سوم کربلا ندارد.

این خط فکری و این دسته بندی تا ظهور ادامه دارد.

تکرار تاریخ...

در سال ۶۰ هجری امام حسین علیه السلام نامه ای به بزرگان بصره نوشت و آنها را به یاری فراخواند. در این نامه امام با صراحت مردم را به بازگشت به قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دعوت می کند. "سنت پیامبر را میرانده اند و بدعت را زنده کرده اند. این جمله نشانه ای روشن از انحرافی عمیق در خط فکری جامعه ای آن روز است. اما این فقط توصیف یک جامعه تاریخی نیست.

امیرالمومنین علیه السلام در خطبه ۱۳۸، درباره رسالت امام زمان علیه السلام می فرمایند: "جایی که مردم هوس های خود را به جای هدایت می نشانند و قرآن را تابع رای و سلیقه شخصی شان می سازند در حالی که ولی خدا، هدایت را معیار همه چیز قرار می دهد و رای و خواسته اش را تابع قرآن می سازد"

نکته مهم این جاست: خط فکری جامعه سال ۶۱ هجری با خط فکری آخرالزمان یکی است. هر دو دچار واژگونی ارزش ها و بی معرفتی به جایگاه ولی خدا هستند.

و به همین دلیل است که بازخوانی جامعه عاشورا می تواند برای منتظران منجی در آخرالزمان چراغ راه باشد.

قدم اول معرفت به امام...

ندانستن خط فکری در برخی مواقع سبب می شود، امامی به گودال برود و عده ای تماشاچی باشند. بی شک یکی از عبرت آمیزترین، سرگذشت ها در کربلا، سرگذشت عمر سعد است در واقع عمر سعد فقط یک شخص نیست، نماد و نماینده یک جریان و نوعی تفکر است که اگر بر جامعه ای حاکم شود، عمر سدها در آن پرورش می یابند. این شخص طبق نقل تاریخ، همبازی سیدالشهدا علیه السلام است، حسین علیه السلام را می شناسد ولی امام را نه. تجربه تاریخ می گوید اگر خط فکری را شناختیم، امام را تنها خواهیم گذاشت. در تاریخ هر جایی مردم زمان، منجی را خواندند و خواستار آمدنش شدند در نهایت همان مردم منجی را به مسلخ بردند.

کوفیان که امام را خواستند، وقتی عبیدالله مشکل مالی آنها را برطرف کرد سیدالشهدا علیه السلام را فراموش کردند. چقدر امام زمان علیه السلام را می شناسیم و با خط فکری ایشان آشنا هستیم؟ منجی را برای چه می خواهیم؟

تعلق به منجی راه نجات

چقدر به منجی تعلق داریم...

در تاریخ بوده اند افرادی که خاص الخاص بودند و مدعی این بودند که تعلقشان فقط و فقط منجی بوده و هست، در بزنگاه انتخاب اولویت تعلق جا زده و کم آوردند و تعلق به امام جای خود را به هر چه چیز دیگری داد.

حال این سوال پیش می آید که ما چقدر به منجی تعلق داریم؟

و اصلاً چرا باید تعلق داشته باشیم؟

خدایا بی تردید شیعیان ما از ما هستند؛ آنان از باقیمانده گل ما آفریده شده اند و با آب ولایت ما سرشته شده اند. در واقع هم همینطور است که ما از از باقیمانده گل اهل بیت علیهم السلام هستیم، همانطور که امیرالمؤمنین علیه السلام به رمیله فرمود: ای رمیله هیچ زن و مرد مومنی در مشرق و مغرب نیست مگر اینکه او با ما است و ما با او هستیم.

نور هدایت...

الان راه تعلق به منجی از رهگذر سیدالشهدا علیه السلام است چرا که وقت ظهور خود را با جد غریبش معرفی می کند؛ "إن جدی الحسین قتلوه عطشاناً"

یکی از مهم ترین اثرات تعلق به منجی هدایت یافتن و در صراط منجی بودن است.

قدرت تعلق به منجی به قدری است که حتی کوچک ترین عمل برای منجی انسان را هدایت می کند. مثل اشک بر امام حسین علیه السلام.

برای رشد و تکامل تعلق ما به منجی چند راهکار اساسی وجود دارد:

اولین راهکار، رفیق خوب، رفیق خوب در انتخاب راه و تثبیت راه خیلی مهم است و خیلی از اوقات یک رفیق خوب انسان را از بیراهه به راه حق می کشاند؛ و بعضی اوقات رفیق خوب باعث می شود انسان در راه حق هست با استقامت بیشتری بماند. آیت الله حق شناس می فرمود: انسان یک رفیق بیدار می خواهد و یک استاد. رفیق برای اینکه اگر فراموش کردی به تو تذکر بدهد.

ریسمان نجات سیدالشهدا علیه السلام

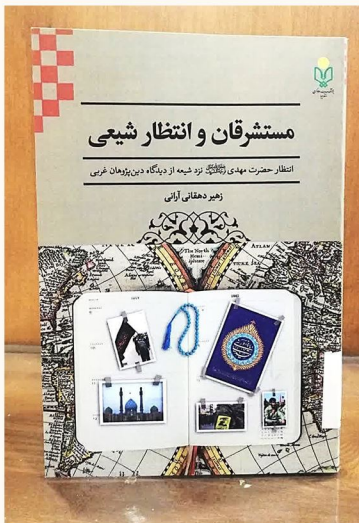
دومین راهکار؛ حضور در مجالس ذکر خدا و اهل بیت علیهم السلام: امام صادق علیه السلام به فضیل فرمود: آیا با هم می نشینید و گفتگو می کنید؟ عرض کرد: آری فدایت شوم. فرمود: من این مجالس را دوست دارم. ای فضیل! راه ما را زنده نگه دارید رحمت خدا بر آنکه امر ما را زنده بدارد.

سومین راهکار؛ شناخت و معرفت نسبت به سیدالشهدا علیه السلام: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: حسین را در آسمان بیشتر می شناسند تا در زمین و عظمت آن در آسمان بیشتر از زمین است، و در سمت راست عرش نوشته شده است حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است.

با وجود این روایت برای رسیدن به این کشتی نجات باید به هر شکلی که می توانیم کاری انجام دهیم و تعلق خود را به این کشتی نجات پررنگ کنیم. بله ما برای تعلق کامل به منجی به چنگ زدن به ریسمان نجات سیدالشهدا علیه السلام نیاز داریم.



برای دریافت مجموعه آینه ۶۱ در قالب ۸ آلبوم تصویری کد رو برو را اسکن و یا روی آن کلیک کنید



معرفی کتاب

کتاب «مستشرقان و انتظار شیعی» نوشته حجت الاسلام دکتر زهیر دهقانی آرانی، در آبان ۱۴۰۳ توسط انتشارات مرکز تخصصی مهدویت به چاپ رسیده است. هدف از تألیف این کتاب، احصا و گونه‌شناسی دیدگاه مستشرقان درباره جایگاه انتظار نزد شیعیان و ارتباط آن با آمادگی برای ظهور، بررسی برداشت‌های صحیح و ناصحیح نظرات آنها و بسترسازی کار پژوهشی برای تحلیل این دیدگاه‌ها، عنوان شده است. نویسندگان بعد از بیان مباحث مقدماتی، ابتدا دیدگاه خاورپژوهان در خصوص انتظار از جمله تعریف و اهمیت انتظار و روند شکل‌گیری باور انتظار نزد شیعه را شرح داده و سپس موضوعاتی را که در واقع زیربنای کشف و تحلیل رابطه میان انتظار و آمادگی برای ظهور امام مهدی (عج) هستند، تبیین کرده است. در پایان به تحلیل و نقد مختصر برخی از دیدگاه‌های غربیان در زمینه موضوعات یاد شده، اشاره می‌کند.



مقدس سازی آخرالزمانی جنگ اسرائیل علیه غزه

سرمداران رژیم منحوس صهیونیستی که از همان ابتدای تأسیس اسرائیل با شعارهای آخرالزمانی و منجی‌محورانه سعی در توجیه سلطه‌گری خود داشتند، امروز نیز در جنگ و کشتار وحشیانه خود بر علیه مردم مظلوم غزه دست به دامان مضامینی از تورات شده‌اند و با طرح موضوعاتی مانند جنگ خیر (=اسرائیل!) و شر (=اهالی فلسطین و مسلمانان، ایران و دیگر گروه‌های مقاومت)، به توجیه مذهبی اقدامات خود می‌پردازند.

جالب توجه است که این رویه در میان فرقه‌ای از مسیحیان پروتستان که با نام اوانجلیست‌ها شناخته می‌شوند نیز رواج دارد و آنان نیز با تمسک به کتاب مقدس خود به دفاع و پشتیبانی از صهیونیست‌ها می‌پردازند. ادعای این گروه لزوم حمایت از دولت یهودی مستقر در فلسطین به عنوان شرطی مهم جهت بازگشت مجدد عیسی مسیح (عج) است.

اینها همه در حالی است که آموزه‌های همه ادیان بر نفی ظلم و دفاع از مظلوم تأکید دارند و تصویری که به طور خاص از حضرت عیسی (عج) توسط مسیحیت تبلیغ و ارائه می‌شود، فردی مهربان و حامی و دردمند مظلومان است که به خاطر همین موضوع نیز برخی سران یهودی آن زمانه به مقابله علنی با ایشان پرداختند.





برای دیدن بخش هایی از این
انیمیشن ها کد رو به رو را اسکن و
یا روی آن کلیک کنید

تلاش غرب در شناخت محتوای درسی دانش آموزان ایران و تحلیل مغرضانه آن

موسسه امور بین الملل ADL سازمانی است که برای مبارزه با تبعیض و یهودستیزی تشکیل شده. یکی از محققین این سازمان در سال ۲۰۲۱ طی مقاله ای با نام "یهودی ستیزی و خشونت در کتاب های درسی کنونی ایران" به تحلیل محتوای آموزشی کتاب های درسی در حیطه مزبور پرداخته و آن را در ۴ محور خلاصه کرد: نفرت از یهودیان، شیطان سازی از صهیونیسم و نابودی کشور اسرائیل؛ آمریکاستیزی و غرب ستیزی؛ تشویق به تروریسم، خشونت و نظامی گری در کودکان؛ تحقیر سایر اقلیت ها. نویسنده این مقاله با بررسی قسمت هایی از کتاب ها سعی در تحمیل عقائد خود بر محتوای این کتب دارد و با آوردن شاهد مثال هایی از آن ها، دشمنی ایرانیان با صهیونیست ها و حتی جهان غرب را رویکردی رادیکال و متعصبانه می داند که در بعضی موارد با تحلیل های آخرالزمانی و گرایشات منجی خواهی مذهبی هماهنگی دارد. لازم به ذکر است محتوای موجود در این کتاب ها نه در راستای یهودستیزی و نه در راستای ترویج جنگ طلبی و خشونت است بلکه تماماً در راستای دفاع از مظلومان و مقابله با ظالمان جهان است.

هالیوود و تلاش برای ترویج عشق به عیسی مسیح در کودکان حجت الاسلام مسعود زائری

تمرکز ویژه سینمای هالیوود بر ارائه چهره ای جذاب از عیسی مسیح علیه السلام برای کودکان و نوجوانان موضوعی است که باعث ساخت دو انیمیشن جذاب برای سال ۲۰۲۵ شده است.

انیمیشن پادشاه پادشاهان یک بازنمایی سینمایی جذاب است که داستان عیسی را به نسل جدیدی منتقل می کند و الهام بخش ایمان در همه کسانی است که آن را تماشا می کنند. کارگردان فیلم سعی نموده است با پیوند زدن میان داستان کودکی امروزی و داستان زندگی حضرت عیسی علیه السلام مخاطب خود را درگیر داستان کند. در انیمیشن نور جهان نیز داستان زندگی حضرت عیسی علیه السلام از نگاه یکی از شاگردانشان روایت می شود و نشان می دهد که چگونه عیسی جهان را برای همیشه تغییر داد و هنوز هم زندگی امروز را تغییر می دهد. البته طبیعی است داستانی که اینگونه انیمیشن ها از شخصیت این پیامبر بزرگ الهی نقل می کنند، آکنده از نگاه های عقیدتی رایج مسیحیت همچون الوهیت عیسی و تثلیث است. امید است دست اندرکاران رسانه ای با الگوگیری از چنین تولیداتی اقدام به ساخت محصولات پیرامون امام مهدی علیه السلام و معرفی شخصیت آسمانی و الهی ایشان برای اقشار مختلف و گروه های سنی مختلف نمایند.

به شرط آنکه...

هیچکس منکر عنایات حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف به این کشور نیست و به دفعات آن را با همه وجود درک نمودیم اما، قرآن و عترت بارها از تغییرناپذیر بودن سنن الهی گفته‌اند و به یقین یکی از آن سنن این است که «خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند»...

عنایت یا عدالت؟

«بر فرض اگر روزی در این کشور از تشیع فقط نامی بماند و بس، آیا باز هم عنایات حضرت همچون گذشته خواهد بود؟

آیا اگر در آن حال، عنایت الهی هیچ تغییری نکند، عدالت الهی زیر سوال نمی‌رود؟ به راستی ماهیچ وظیفه‌ای به جز دعا و استخاره نداریم؟

مقام معظم رهبری علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «ما در شکست دشمن شک نداریم؛ بنده هیچ تردیدی ندارم. هر کسی که با معارف اسلامی آشنا باشد می‌داند که **إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ**؛ اینها مسلم است و در آن تردیدی نیست. می‌دانیم که شکست می‌خورند؛ ولیکن طبق سنت الهی، یک وظیفه بر عهده ما است. اگر این وظایف را انجام ندهیم، نمی‌توانیم به آن نتایج مطمئن باشیم؛ باید وظیفه‌مان را انجام بدهیم». ۱۳۹۷/۳/۲

جهت دسترسی به مجموعه عکس نوشته
استغاثه کافی نیست از موسسه حق پژوهی
کد بالا را اسکن و یا روی آن کلیک کنید.



امام زمان نگهبان ماست؛

در دهه چهل بود که شیخ محمود حلی گفت: «امام زمان نگهبان ماست. در جنگ اول جهانی از شرق و جنوب، دشمنان خارجی به ایران آمدند و ایران را در بین خود تقسیم کردند. و فقط از سمنان تا قزوین برای ما مانده بود. در آن زمان آقای نائینی دست به دامن امام زمان شد. مملکت ما شیعه است و هرگز دشمن نمی‌تواند به این مملکت رخنه کند.»

بخشی از سخنان وی درست بوده، اما مهم آن است که چه نتیجه‌ای از آن گرفته شود؟ مگر نه آن که این کشور شیعی، وسعتی بزرگ‌تر داشت و به مرور به مرزهای فعلی رسید؟

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تنها پناه...

در جنگ دوازده روزه اسرائیل علیه ایران نیز برخی با تکرار همین ماجرا و راه انداختن پویش و هشتگ، هیچ عکس العمل دیگری نسبت به جنایات اسرائیل نداشته و راه کار را منحصر به دعا و استغاثه کردند. آنان با طرح این موضوع که باور کنیم که جز او پناه دیگری نیست، تمام امور به دست اوست و از هیچ کس کاری بر نمی‌آید، این ذهنیت را القاء نمودند که اگر مردم به قدرت نظام جمهوری اسلامی امیدوارند، یعنی باورشان نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ضعیف شدن و به دیگران پناه برده و منتظرند تا نظام برایشان کاری کند.



مرکز Beit Hallel (بیت هالل) یک سازمان مسیحی صهیونیستی است که در سال ۲۰۰۵ میلادی فعالیت‌های تبلیغی خود را در قلب سرزمین‌های اشغالی آغاز کرد و به عنوان یکی از کانون‌های فعال اوانجلیستی در منطقه شناخته می‌شود.



مؤسس این مرکز کشیش ایزرائل پوختار (Pastor Israel Pochtar) در خانواده‌ای یهودی در روسیه متولد شد اما پس از پذیرش مسیحیت، به جنبش یهودیان مسیحی پیوست. وی که معتقد است یهودیان باید عیسی مسیح را به عنوان ماشیح (نجات‌دهنده) بپذیرند، تمام تلاش خود را برای تحقق این امر در مؤسسه بیت هالل در سرزمین‌های اشغالی انجام می‌دهد. فعالان در بیت هالل خود را احیاگر سنت رسولان نخستین می‌دان. آن‌ها معتقدند در دورانی که بسیاری از مردم اسرائیل امید و ایمان خود را از دست داده‌اند، پیام انجیل می‌تواند بار نور امید را در دل‌ها روشن کند.

تفاوت اصلی مؤسسه بیت هالل با نهادهایی مانند CUFI در نوع مخاطب و رویکرد تبلیغی آنهاست. بیت هالل با تمرکز بر یهودیان و صهیونیست‌ها، می‌کوشد محبت به مسیح را در میان این گروه ترویج کند؛ اما در مقابل، مؤسساتی مانند CUFI که مخاطبان‌شان عمدتاً مسیحیان هستند، بر نقش محوری اسرائیل در بازگشت مسیح تأکید می‌ورزند.



برای مشاهده فیلم کد را اسکن و یا روی آن کلیک کنید



مؤسسه Christians United for Israel (مسیحیان متحد برای اسرائیل) یک سازمان مسیحی صهیونیستی است که در سال ۲۰۰۶ توسط جان هاگی در تگزاس، تأسیس شد. این سازمان به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین گروه‌های حامی اسرائیل در ایالات متحده شناخته می‌شود و هدف اصلی آن بسیج مسیحیان اوانجلیست برای حمایت از اسرائیل و سیاست‌های این کشور است. گردانندگان این مؤسسه با برگزاری کنفرانس‌های سالانه، برنامه‌های آموزشی مختلف، لابی‌گری با سیاست‌مداران آمریکایی و ده‌ها اقدام دیگر سعی در تثبیت جایگاه اسرائیل و صهیونیست‌ها در پازل اتفاقات آخرالزمانی و مقدمه‌ساز ظهور عیسی مسیح دارند و در این راستا بر حمایت همه‌جانبه از اسرائیل تأکید می‌کنند.



با اسکن کد و یا کلیک روی آن فیلم تیزر معرفی این سازمان را مشاهده کنید.

تجربه و حوادث تاریخ نشان داده «مخالفین توانسته‌اند مؤمنین و مسلمین را نسبت به این اصل، بی عقیده کنند و برای همین است که آنها کارشان را پیش بردند.» ۱۳۶۸/۴/۲۴ لذا رمز پیروزی در برابر دشمن، باور به این اصل و مبنای مهم است. شایان ذکر است که منظور از «برتری»، برتری در ایمان و باور به مکتب توحیدی است. همچنین، «برتر بودن جامعه‌ی اسلامی» به معنای نبود ضعف یا ندیدن آن‌ها نیست. اساساً، باور به همین آیه است که مشکلات و ضعف‌ها را برطرف می‌کند.

ملت ایران تسلیم‌شدنی نیست

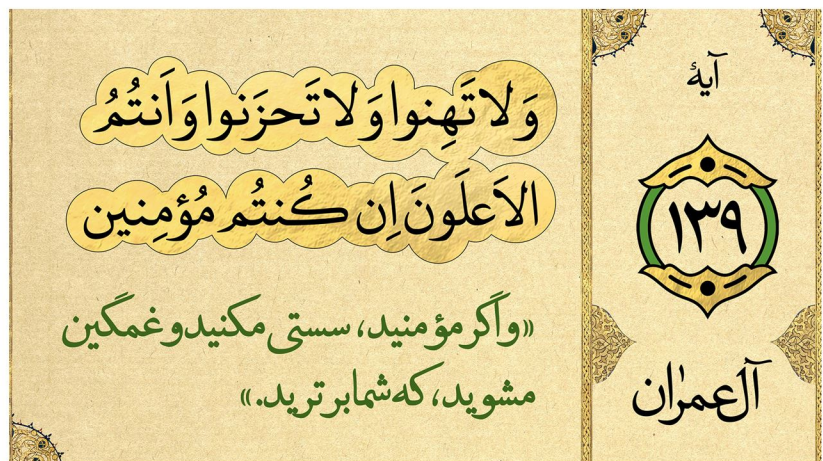
با وجود وعده‌های الهی و تجربه عینی، متأسفانه دشمن در دستگاه محاسباتی برخی اختلال ایجاد کرده است. مراقب باشیم که ترفند اصلی دشمنان «این است که دستگاه محاسبه‌ی طرف مقابل را دچار اختلال کند؛ دستگاه محاسباتی من و شما را؛ این کار را هم با تبلیغات، با کار سیاسی، با تماس‌های گوناگون دنبال میکنند؛ میدانند که جمهوری اسلامی برای رسیدن به هدفهای خود دارای توان است؛ باید نخواهد؛ اگر «خواست»، میتواند؛ میخواهند کاری کنند که نخواهد.»

۱۳۹۳/۴/۱۶

دشمن در این ترفند خود نیز قطعاً شکست خواهد خورد، زیرا «ملت ایران تسلیم‌شدنی نیست... این روحیه‌ی ملت ایران است.»

۱۴۰۴/۳/۲۸

متن کامل را از اینجا
بخوانید



مؤمنان برترند

نگاهی به تفسیر رهبر انقلاب از آیه «أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در دومین پیام تلویزیونی به ملت ایران در پی تهاجم رژیم صهیونی، آیه‌ی ۱۳۹ سوره‌ی آل عمران را محور بیانات خود قرار داده و از ملت ایران به خاطر وقت‌شناسی، متانت و شجاعت خود، تمجید و تقدیر کردند و در پایان به ملت ایران توصیه فرمودند همین آیه‌ی شریفه را همیشه در نظر داشته باشند. آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی محمد نیز مشابه همین آیه است که می‌فرماید: «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكَمُ أَعْمَالُكُمْ.»

سخن اصلی وقایع خداوند در این دو آیه این است که در برابر دشمن «سست نشوید، دعوت به سازش با دشمن نکنید، خدای متعال شما را برتر قرار داده است و برتر هستید؛... خدای متعال برای شما کم نمی‌گذارد در مقابل مجاهدتی که انجام داده‌اید، پاداش این مجاهدت را به طور کامل به شما خواهد داد.» ۱۳۹۷/۴/۹ «مبادا سست شوید و دعوت به سازش کنید یا دعوت سازش دشمن آشتی‌ناپذیر را بپذیرید. سازش با انسان‌های خوب، حتی سازش با انسان‌هایی که با شما کاری ندارند، عیبی ندارد؛... با همه‌ی کسانی که با شما کاری ندارند و اهل صلح و سلامت و اخوت و برادری هستند، سازش کنید؛ اما با کسی که با فلسفه‌ی وجودی و اساس و ایمان شما و با اصل حکومت اسلامی و ولایت الهی مخالف است، «لا تدعوا إلى السلم»؛ سازش نکنید.» ۱۳۷۴/۶/۲۹

رمز پیروزی ملت، باور به آیه «برتری مؤمنان» است

این دو آیه یکی از مبانی مهم نظام و جامعه‌ی اسلامی را تبیین می‌کند. قاعده این است که «در زمینه‌ی ذکر مبانی اسلامی، احاد ملت ایران و مسئولین کشور صریح باشند.» ۱۳۹۶/۳/۶ لذا این مبنا باید به صراحت تبیین شود؛ چه از طرف مردم و چه از طرف مسئولان. البته این درست است که «بعضی‌ها در فکر این هستند و دغدغه‌ی این را دارند که خب یک حکومت و یک دولت باید ارتباطات جهانی داشته باشد... اما منافاتی ندارد؛ می‌توان با صراحت، مبانی خود و اصول خود را گفت و پیش هم رفت.» ۱۳۹۶/۳/۶



یا صاحب الزمان (عج)
به یقین انتظار
 دوست
 دلیل گردش

لیل والنهارها

اربعین...
 رد پای دل‌هایی ست که با هر قدم، با امام
 شان عهد می‌بندند؛
 عهد استقامت، عهد انتظار...
 و این جاده، جاده‌ای ست به سمت ظهور؛
 وقتی دل‌هایی می‌شوند،
 راه، نزدیک‌تر می‌شود...

اربعین و عاشورای حسینی نماد جهانی بودن حرکت سیدالشهداء علیه السلام است، این پیاده روی فقط به ایران و عراق محدود و مربوط نمی‌شود، بلکه از ادیان و اقوام و ملیت‌های مختلف با این جریان همراه شده‌اند، این بعد جهانی بودن اربعین را به نهضت مهدوی نزدیک و شبیه کرده است.

در پیاده روی و زیارت اربعین همدلی و صمیمیتی خاص و اعجاب‌آور وجود دارد مهم آنکه این همدلی یعنی برپایی مواکب خیمه‌ها و اطعام و اسکان و خدمات دیگر و پذیرایی‌ها همگی با هزینه و خدمت مردمی در حال انجام است؛ همدلی شگفت‌آور را مردم در این حماسه رقم می‌زنند و حتی منازل شخصی خود را برای اسکان زائران آماده می‌کنند. در عصر ظهور هم همدلی و صمیمیت میان مردم ایجاد می‌شود به گونه‌ای که در روایت است حتی حیوانات هم با هم مهربان می‌شوند و این بیانگر حاکمیت صمیمیت بر عالم امکان است. این جنبه‌های اربعین یعنی همدلی و صمیمیت و محبت بر اساس روایات در جریان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز بروز و ظهوری خاص دارد.

تمدن‌سازی یک جنبه سخت‌افزاری دارد یک جنبه نرم‌افزاری؛ جنبه سخت‌افزاری ناظر بر پیشرفت‌های تکنولوژیک و امکانات و... است اما اصل جریان تمدن‌سازی، جنبه نرم‌افزاری و محتوایی و فکری هر تمدن است یعنی آن فرهنگی که تمدن می‌کوشد ایجاد کند تا بتواند بر جریان حاکم بر جامعه نفوذ کند. هر تیم ورزشی برای حضور در رقابت‌های ملی و بین‌المللی، اردوی آمادگی برگزار می‌کند؛ اربعین و پیاده روی آن را هم می‌توان اردوی آمادگی نسبتاً سخت و سنگین اما شیرین برای منتظران ظهور دانست کسانی که این مسیر را طی می‌کنند آمادگی حضور در در میادین سخت‌تر در آینده جامعه منتظر را پیدا می‌کنند.

دکتر محمود متوسل آرانی - مدیر عامل بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف



جهت دریافت محتوای مناسبی اربعین بارویکرد مهدوی
 کد روبرو را اسکن و یا روی آن کلیک کنید

بنیاد فرهنگ حضرت مهدی موعود برگزار می کند:

پنجمین اجلاس ملی

مَرْكَزُهُ وَوَكَايَتُهُ اِنْقِلَابِ اُسْ اِسْلَامِي

هر قدمی که در راه استواری
این انقلاب اسلامی
برمی داریم، یک قدم به ظهور
حضرت مهدی نزدیکتر
می شویم.



ISC

مؤسسه استنادی و پایش
علم و فناوری جهان اسلام



مزایای شرکت در فراخوان اجلاس

دارای مجوز ISC وزارت علوم
تحقیقات و فناوری کشور
چاپ آثار برتر در نشریات علمی
و پژوهشی و کتاب اجلاس
همراه با گواهی شرکت در فراخوان

نحوه ارسال مقالات

پایگاه مجازی اجلاس
جهت مشاهده ضوابط و ارسال آثار
www.mahdaviat.ir

قالب های ارائه آثار

رساله دکتری، مقالات علمی
پژوهش های کاربردی
پایان نامه ارشد

مهلت ارسال مقالات ۹ دی ۱۴۰۴

زمان برگزاری

۹ بهمن ماه ۱۴۰۴
استان هرمزگان، بندرعباس

بالمحوریت:

خانواده مهدوی و تمدن نوین اسلامی

ضرورت ها و الزامات تحقق خانواده مهدوی تراز تمدن نوین اسلامی
ساز و کارهای تجلی زیست منتظرانه در خانواده تراز تمدن نوین اسلامی
الگو شناسی خانواده مهدوی تراز تمدن نوین اسلامی
چالش ها و تهدیدهای تمدنی فراروی خانواده مهدوی در آخر الزمان

شماره های تماس

۰۲۱ ۸۶۰۳ ۵۶۸۱ / ۰۲۱ ۸۶۰۳ ۴۲۹۷
سامانه پیامکی ۱۰۰۰۰۰۱۲

دبیرخانه اجلاس

تهران / خیابان آیت الله طالقانی
میدان فلسطین / پلاک ۳۸۷

